

کارگر امروز

نشریه انترناسیونالیستی کارگری

WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

در حاشیه
مرگ مهدی اخوان ثالث
مقاله‌ای از ایرج آذرین
صفحه ۵

Vol. 1, No. 6, October 1990

سال اول، شماره ۶، مهر ۱۳۶۹

دومیتلا باریوس دوچونگارا صاحب کتاب معروف «بگذار سخن بگویم»:

دموکراسی چه معنایی دارد وقتی انسان گرسنه است

دومیتلا در گفتگو با کارگر امروز:

من خواهان تماس با کارگران ایران هستم



کمپین علیه وضع موجود بولیوی بیش از بیست سخنرانی تحت عنوان "دموکراسی چه معنایی دارد وقتی انسان گرسنه است" در شهرهای سوئد و آلمان انجام داد. وی در آلمان دعوت همکار ما "سینا رهنما" را برای گفتگویی با کارگر امروز پذیرفت که بخشهایی از آنرا به انضمام بخشهایی از سخنرانی او در شهر کاسل آلمان ملاحظه خواهید کرد. صفحه ۸

"دومیتلا باریوس دوچونگارا" یکی از رهبران و فعالین برجسته جنبش کارگری بولیوی و صاحب کتاب "بگذار سخن بگویم" که معروفیت جهانی دارد و توسط احمد شاملو و ع. پاشایی به فارسی ترجمه شده است برای فعالین جنبش کارگری و چپ ایران نیز نامی کاملا آشناست. "دومیتلا باریوس دوچونگارا" چند ماه قبل بدنال یک

ابرهای شوم جنگ پر فراز خاور میانه

بهای تغییرات جغرافیای سیاسی خاور میانه را چه کسانی خواهند پرداخت



رضا مقدم

کویت بهر دلیل اشغال شده باشد عاملی بود تا پاسخگویی به مسائل جغرافیای سیاسی خاور میانه پس از جنگ سرد سریعاً در دستور روز قرار گیرد. مسائلی نظیر اینکه، صف بندیها در خاور میانه چگونه باید باشد. حرف آخر درباره نفت و قیمت آنرا چه کسی باید بزند. ناسیونالیسم عرب در منطقه چه نقشی باید داشته باشد. آیا یک کشور باید زاندارم منطقه باشد یا یک اتحاد نظامی - سیاسی از چند کشور این نقش را بعهده خواهند گرفت. صفحه ۲

موجی از اعتصابات کارگری در کانادا

باب وایت دبیر اتحادیه کارگران اتومبیل سازی: کارخانجات اتومبیل سازی تصمیم گرفته‌اند تا به بیست هزاران کارگر اعتصابی فلزکار و معدنچی در سراسر کانادا ملحق شوند. مهمترین مطالبات کارگران در حال حاضر افزایش دستمزد و امنیت شغلی است و کارگران از بی نتیجه ماندن مذاکرات خسته شده‌اند. "باب وایت" دبیر اتحادیه کارگران اتومبیل سازی کانادا در مورد شکل گیری اعتصابات در کانادا و روحیه کارگران گفت: من خشم و عصبانیت عظیمی در جامعه می بینم. صفحه ۶

ماجد ابراهیمی یکی از فعالین جنبش کارگری سنندج

در مصاحبه با کارگر امروز:

انکار طبقه کارگر در کردستان

مضحک است

• مفاد قطعنامه‌های اول ماه مه سنندج

• مطالبه همه کارگران ایران است

• به ۴ ساعت کار هم نباید رضایت بدهیم

صفحه ۴

فراخوان «ال.او» سوئد
در اعتراض به اعدام جمال چراغ ویسی

سراسری کارگران سوئد (ال.او) در استکهلم کلوبهای کارگری تابعه خود را فراخواند تا اعدام جمال چراغ ویسی را محکوم کنند، خواستار آزادی کارگران زندانی شوند و از داشتن حق اعتصاب و تشکل کارگران ایران دفاع کنند. صفحه ۲

مرکز خبری کارگر امروز:
بدنبال کمپین برای محکوم کردن اعدام جمال چراغ ویسی سخنران مراسم اول ماه مه سال ۶۸ در شهر سنندج و مبارزه برای آزادی کارگران زندانی در ایران، تشکیلات منطقه‌ای اتحادیه

اعتصاب کارگران پالایشگاه اصفهان برای دو برابر شدن دستمزد اضافه کاری

پاسخ داد. به گزارش حزب کمونیست ایران اعتصاب حدود ۲۰۰۰ کارگر پالایشگاه اصفهان در اواخر اردیبهشت ماه و زمانی صورت گرفت که مدیریت خواهان ۲ ساعت اضافه کاری اجباری شد. کارگران در اعتراض به اضافه کاری خواهان دو برابر دستمزد برای ساعات اضافی شدند و هنگامیکه مدیریت از پذیرش آن امتناع کرد دست به اعتصاب زدند. صفحه ۲

مرکز خبری کارگر امروز:
کارگران پالایشگاه اصفهان در اعتراض به اضافه کاری اجباری دست به اعتصاب زدند و خواهان دو برابر دستمزد برای هر ساعت اضافه کاری شدند. در پی این اعتصاب که با موفقیت نسبی کارگران همراه بود، رژیم اسلامی به دست و پا افتاد و برای جلوگیری از حرکات احتمالی کارگران نفت بازرسی را به پالایشگاه تهران اعزام داشت و طی یک برنامه تلویزیونی وزیر کار به مسائل کارگران

کارگران کارخانه پارس الکتریک:

آیا بچه‌های ما باید تاوان این

را بدهند که ما آمدیم و کارگر شدیم

آقای رئیس جمهور این ۶ هزار تومان حقوق ما

برای شما، ببینیم اجاره خانه برایتان می‌شود

کارخانه تنها در فاصله سال ۶۱ تا سال ۶۷ (در تمام سالهایی که به بهانه جنگ دستمزد و معیشت کارگران شدیداً کاهش یافت) حدود ۱۵۰۰ میلیون تومان سود داشته است. نشریه "کار و کارگر" چاپ تهران، در گفتگو با کارگران و تعدادی از مسئولین این کارخانه گزارشی تهیه کرده است که تلخیص شده آنرا خواهید خواند. صفحه ۳

کارخانه پارس الکتریک و شرکتهای تابع آن بزرگترین واحد ساخت تلویزیون و رادیو در ایران است. این کارخانه که هم اکنون حدود سه هزار نفر در آن شاغلند و قریب هزار نفر آن زن هستند در سال ۶۱ تاسیس شده و نمونه ایرانی شاپ لورنس و توشیبا است. به گفته مدیر پارس الکتریک "حاج آقا کلاهدوز"

در حمایت از کمیته همبستگی با کارگران اپل آلمان

مرکز خبری کارگر امروز:
اتحادیه فلزکاران آلمان "ای.گ.متال" آندسته از کارگرانی را که در انتخابات سال جاری در کارخانه اپل مستقل از لیست اتحادیه خود را کاندید کردند و اکثریت آرا را بدست آوردند، تحت عنوان "رفتار مضر به حال اتحادیه" مورد بازرسی قرار داده و مانع از شرکت آنها در اجلاس انتخابات نمایندگان اتحادیه در شهر بوخوم شده است. در اعتراض به این اقدامات اتحادیه، کارگران با تشکیل یک کمیته همبستگی خواستار حمایت از کارگران اپل شده‌اند. در زیر ترجمه متن کامل "بیانیه کمیته همبستگی اپل" را خواهید خواند. صفحه ۶

کیم مودی یکی از فعالین سرشناس جنبش کارگری آمریکا و از بنیان گذاران نشریه لیبرنتز در گفتگو با کارگر امروز:

ساختار فعلی اتحادیه‌ها قادر به

بسیج توده‌ای کارگران نیست!

• کارگران باید حزب مستقل خودشان را بسازند

• باید جنبش کارگری آمریکا را از اوضاع جنبش

• کارگری ایران آگاه ساخت

صفحه ۹

کارگر امروز

ابرهای شوم جنگ بر فراز خاور میانه

ادامه از صفحه ۱

آیا اسرائیل یکی از این کشورهاست و اگر نه، اسرائیل چه می‌شود. آیا آمریکا با ارتش خود و پایگاههای جدیدی که در کشورهای منطقه ایجاد کرده است این نقش را مستقیماً بعهده خواهد گرفت. نظام سیاسی عربستان سعودی و شیخ نشینهای کوچک منطقه و بلوک بندیهایی درونی خود کشورهای عربی به چه شکل در خواهد آمد. مسائلی از این قبیل که طرفهای پیروز در جنگ سرد و شوروی له پاسخیهای روشنی برای آن دارند و نه هنوز معلوم است که حرف کدامیک باید به کرسی نشاند. شود باعث پیچیدگی و غیر قابل پیش بینی بودن وقایع آینده در خاور میانه شده است و ابرهای شوم جنگ را برای شکل گرفتن چهره خاور میانه پس از پایان جنگ سرد به پرواز در آورده است.

در پایان جنگ جهانی دوم، جهان اساساً به دو اردوگاه تقسیم شد و برای چند دهه اختلافات و رقابتهای دو اردوگاه مهر خود را بر تمامی صف بندیها، تحولات و وقایع سیاسی و اقتصادی جهان کوبید. حال با اتمام جنگ سرد و پایان دوره‌ای که جهان اساساً به دو اردوگاه "شرق و غرب" تقسیم می‌شد جهان می‌رود تا چهره اقتصادی - سیاسی جدیدی بخود بگیرد و صف بندیها تغییر کند.

طی چند ساله اخیر متصرفات شوروی در جنگ جهانی دوم یک به یک باز پس گرفته شد و ملاقاتهای سران آمریکا و شوروی حول نظم و چهره جدیدی که جهان باید بخود بگیرد بر این امر تاکید داشته است که در روند تغییر صف بندیها نباید کنترل از دست طرفهای درگیر خارج شود. در طی این مدت بسیاری از آنچه که به "مناقشات" منطقه‌ای موسوم شده است بهرحال و به نوعی با توافق طرفین درگیر و اساساً از طریق مذاکره حل و فصل شده است. مذاکراتی که طرفین درگیر این فرصت را داشته‌اند تا راه‌های مختلف را مورد بررسی قرار دهند و به توافق برسند.

تا قبل از اشغال کویت آنچه که به مسائل خاور میانه مربوط می‌شد مسئله فلسطین و جنگ ایران و عراق بود. در مورد جنگ توافق وجود داشت که هیچ طرفی از این جنگ پیروز در نیاید و مسئله فلسطین مورد بحث و بررسی بود تا طریقی ارائه شود که طرفهای درگیر به آن راضی شوند. اما وقایع اخیر مسئله اسرائیل را به گونه دیگری مطرح ساخت و پرونده

تعیین قدرت اول خاور میانه و خلیج فارس را از طریق سر شاخ شدن ایران و عراق با یکدیگر بست و مسئله را به اینکه دولت عراق چگونه از این اوضاع بیرون بیاید و اینکه بالاخره بورژوازی جهانی درباره صف بندیها و نوع دولتهای منطقه به چه توافقاتی خواهند رسید، گره زد.

وقایع اخیر همچنین بر صف بندیهای بورژوازی جهانی نیز تاثیر گذاشت و چشم اندازی که پس از پایان جنگ سرد تقریباً مورد توافق متفکران و سیاستمداران سرمایه‌داری جهانی بود را یعنی روند شکل گیری چند قطب اساسی و عمده ژاپن، آمریکا و اروپای واحد، موقتاً دچار وقفه ساخت. آمریکا با لشکر کشی به خاور میانه می‌کوشد به اروپا و ژاپن وانمود سازد که هنوز آنچه که به "غروب آمریکا" موسوم شده فرا نرسیده است و هنوز اروپا و ژاپن باید زیر پرچم و سیاستهای آمریکا "بخط" شوند. کشورهای اروپای غربی با تمام "غر و لند"های خود و تلاش برای "بخط" شدن زیر پرچم سازمان ملل و نه آمریکا به دنبال سیاستهای آمریکا روان شدند و گورباچف در کتاب خود "پروسترویکا" از قبل اطمینان داده بود که شوروی منافع آمریکا را در خاور میانه برسمیت می‌شناسد.

تعیین تکلیف همه این مسائل دارد از روزنه تنگ اشغال کویت صورت می‌گیرد و همین آذرا به یک بحران جهانی تبدیل کرده است و گرنه برای کشورهای امپریالیستی که طی دو جنگ جهانی برای تغییر جغرافیای سیاسی - اقتصادی جهان میلیونها نفر را به کشت دادند و پس از آن نیز بارها و بارها مرزها را دستخوش تغییر ساختند و کشورهای جدید منجمه خود کویت را ایجاد کرده‌اند، مرزها کوچکترین قدوسیتهای ندارند.

تا همینجا با گران شدن قیمت نفت حمله به سطح معیشت کارگران آغاز شده است و بطور مثال دولت فرانسه انجماد دستمزدها را بتصویب رسانده است و در خود منطقه میلیونها کارگر خارجی که در کویت و عراق کار می‌کردند در بیابانها آواره شده‌اند. رنج و مرارت فعلی این میلیونها انسان آواره و سختیهایی که مردم عراق متحمل شده‌اند بخش کوچکی از پیش برداخت بهایی است که کارگران و زحمتکشان برای شکل گیری چهره جدید خاور میانه پس از پایان جنگ سرد برداشته‌اند.

بدینوسیله به اطلاع خوانندگان می‌رسانیم که آدرس و حساب بانکی نشریه تغییر کرده و بهای نشریه نیز برای کشورهای غیر اروپایی کاهش یافته است. مرکز آبونمان کارگر امروز

فراخوان «ال.او» سوئد

ادامه از صفحه ۱
از؛ تشکیلات منطقه‌ای "ال.او" در استان استکهلم اقدام کننده؛ او. کپل تاریخ: ۹/۹/۹۰
به؛ اتحادیهها، بخشهای تابعه "ال.او"، و گیرندگان که در زیر نامه نام برده شده‌اند.

پشتیبانی قوی از پروژه تشکیلات منطقه‌ای "ال.او" برای جمع آوری امضا زیر شعار "از پناهندگان سیاسی ایرانی محافظت کنید".

بیش از ۲۵ هزار نفر از اعضای "ال.او" به این دعوت پاسخ مثبت داده‌اند! یک پشتیبانی بسیار قوی از همبستگی بین المللی! علاوه "کمپین کارت پستال" ما که با همین تم و بموازات این پروژه به پیش رفت، موجب شده تا ۹۰ سازمان، از وزارت امور خارجه بخواهند که از طریق سازمان ملل متحد برای مجازات ایران بدلیل نقض آزادی و حقوق بشر، اقدام نمایند.

با الهام از روحیه همبستگی باطنیه کارگر ایران، ما با یک فراخوان جدید بار دیگر از شما دعوت می‌کنیم که پای قطعنامه‌ای که در انتهای این نوشته می‌آید امضا بگذارید. سابقه موضوع به اختصار چنین است:

زبان خشک آمار تصویر تکان دهنده‌ای از زندگی مردم در ایران بدست می‌دهد. بنا به اقرار جمهوری اسلامی مصرف سرانه در سال ۶۷ به ۳ هزار و ۲۰۰ تومان سقوط کرده است. ارزش واقعی این مصرف سرانه چیزی حدود ۳۰ دلار و به نسبت ده سال قبل از آن چهار برابر کاهش یافته است. متوسط هزینه یک خانوار شهری در سال ۶۷، بنا به آمار نمونه‌ای که در مرداد ماه امسال توسط مرکز آمار جمهوری اسلامی انتشار یافت، در هر ماه برابر ۱۵ هزار تومان بوده است. در همان زمان حداقل دستمزد ۶ برابر کمتر از هزینه متوسط یک خانوار شهری بوده است. درآمد متوسط یک خانواده شهری بنا بر همان آمار حدود ۱۱ هزار تومان و هر خانوار بطور متوسط ۴ هزار تومان زیر هزینه متوسط درآمد داشته است. اما این فقط

سخنران اول مه در ایران اعدام شد! قبل از ماه مه امسال، ۱۹۹۰، رژیم ایران بار دیگر دست به یک جنایت وحشیانه زد. آنها کارگر ۲۵ ساله، جمال چراغ ویسی را اعدام کردند. جمال سخنران مراسم اول ماه مه سال ۱۹۸۹ در سنندج بود، که بزرگترین شهر در کردستان ایران است. او پس از چندین ماه حبس و شکنجه بالاخره به همراه ۱۶ تن دیگر از رفقای اتحادیه‌ایش که مراسم اول ماه



ما از همه شما می‌خواهیم که اعدام جمال و سایر زندانیان سیاسی را محکوم کنید. ما از همه شما می‌خواهیم که به صف امضا کنندگان قطعنامه ضمیمه این نامه بپیوندید.

قطعنامه

ما اعدام جمال چراغ ویسی را محکوم می‌کنیم،

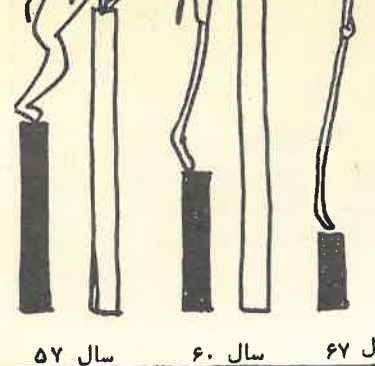
ما خواستار آزادی همه کسانی هستیم که بخاطر فعالیت های اتحادیه‌ای شان به زندان افتاده‌اند،

ما از حق اعتصاب و تشکل برای کارگران ایران دفاع می‌کنیم.

متوسط در آمدهاست. معاون وزیر دارایی در خرداد ماه امسال اعلام کرد که در سال ۶۷ درآمد حدود ۴۰ درصد از مردم ایران یک دهم درآمد سرانه کشور بود در حالیکه تنها یک درصد از مردم ۲۱ برابر درآمد سرانه کشور، درآمد داشته‌اند.

بالاترین هزینه زندگی یک خانواده شهری در سال ۶۷ مربوط به مسکن و نزدیک به ۵۰ درصد کل هزینه‌های غیر خوراکی بوده است. در حالیکه بیش از ۴۰ درصد از حمام گرم، حدود ۵۵ درصد از کولر، ۷۵ درصد از تلفن و حدود ۹۲ درصد از حرارت مرکزی (شوفاژ) محروم بوده‌اند.

در سال ۶۷ همچنین حدود ۱۸ درصد خانوارها فاقد تلویزیون، ۱۰ درصد فاقد یخچال، ۶۵ درصد فاقد ماشین لباسشویی، ۷۵ درصد فاقد چارو برقی و ۸۵ درصد فاقد فریزر بوده‌اند.



سال ۵۷، سال ۶۰، سال ۶۷

سلامتی کارگران مجتمع فولاد در خطر است

مرکز خبری کارگر امروز؛ مجتمع فولاد مبارکه اصفهان از جمله پروژههایی است که دولت اسلامی سرمایه می‌کوشد که هرچه سریعتر و بهر قیمت آنرا به اتمام برساند. و این خود موجب تشدید فشار بر هزاران کارگر این مجتمع و تحمیل شرایط بسیار ناامن کار بر آنها شده است. از جمله سلامت کارگران عایقکار و نسوزکار این مجتمع بطور جدی در خطر است. این کارگران با ماده خطرناک پشم شیشه سروکار دارند که اثرات زیانبار و شناخته شده‌ای بر پوست و مجاری تنفسی دارد.



به گزارش حزب کمونیست ایران اغلب کارگران عایقکار از بین کارگران روستائی انتخاب شده‌اند که علاوه بر ۴۴ ساعت هفته کار قانونی، ماهانه بین ۳۰ تا ۶۰ ساعت اضافه کاری اجباری دارند. این کارگران تقریباً فاقد هرگونه ایمنی و بهداشت محیط کار هستند. از جمله از کلاه و کفش و ماسک ایمنی خبری نیست و تنها وسیله ایمنی تکه پارچه‌هایی است که برای بستن جلوی دهان به کارگران می‌دهند که به دلیل کیفیت بدش کارگران رغبتی به استفاده از آن ندارند. حمام های بهداشتی وجود ندارد و کارگران معمولاً غذا را در همان محیط کار که بشدت آلوده است

را به بیماریهای مختلف دچار می‌کنند.

محرومیت کارگران ایران حرف زده بود، از مطالبات کارگری همچون بیمه بیکاری برای میلیونها بیکار به دفاع برخاسته بود، از طولانی بودن ساعات کار از دستمزدهای ناچیز و از فقدان حق اعتصاب و تشکل سخن گفته بود.

در بیانیهای که از سوی کارگران سنندج صادر شده از جمله آمده است: "رفقای کارگر ایران، انجمن های دموکراتیک و سازمانهای کارگری سراسر جهان رژیم اسلامی جمال را به این دلیل اعدام کرد که او در مراسم اول ماه مه حقایقی را درباره جامعه ما افشاء کرده بود. شما نیز همصدا با ما این اعدام وحشیانه را محکوم کنید و بما برای آزاد کردن کارگران دیگری که تنها به دلیل شرکت در اجتماعات روز اول ماه مه به زندان افتاده‌اند کمک برسانید.

از موضع تشکیلات منطقه‌ای "ال.او" اقدامهای دسته جمعی شرکت کنندگان در مراسم اول ماه مه را تقبیح می‌کنیم. این به نظر ما، نشان می‌دهد که طبقه کارگر و خانواده‌های کارگری در ایران در چه شرایط سخت و تکان دهنده‌ای بسر می‌برند. ما از همه شما می‌خواهیم که اعدام جمال و سایر زندانیان سیاسی را محکوم کنید. ما از همه شما می‌خواهیم که به صف امضا کنندگان قطعنامه ضمیمه این نامه بپیوندید.

قطعنامه

ما اعدام جمال چراغ ویسی را محکوم می‌کنیم،

ما خواستار آزادی همه کسانی هستیم که بخاطر فعالیت های اتحادیه‌ای شان به زندان افتاده‌اند،

ما از حق اعتصاب و تشکل برای کارگران ایران دفاع می‌کنیم.

متوسط در آمدهاست. معاون وزیر دارایی در خرداد ماه امسال اعلام کرد که در سال ۶۷ درآمد حدود ۴۰ درصد از مردم ایران یک دهم درآمد سرانه کشور بود در حالیکه تنها یک درصد از مردم ۲۱ برابر درآمد سرانه کشور، درآمد داشته‌اند.

بالاترین هزینه زندگی یک خانواده شهری در سال ۶۷ مربوط به مسکن و نزدیک به ۵۰ درصد کل هزینه‌های غیر خوراکی بوده است. در حالیکه بیش از ۴۰ درصد از حمام گرم، حدود ۵۵ درصد از کولر، ۷۵ درصد از تلفن و حدود ۹۲ درصد از حرارت مرکزی (شوفاژ) محروم بوده‌اند.

در سال ۶۷ همچنین حدود ۱۸ درصد خانوارها فاقد تلویزیون، ۱۰ درصد فاقد یخچال، ۶۵ درصد فاقد ماشین لباسشویی، ۷۵ درصد فاقد چارو برقی و ۸۵ درصد فاقد فریزر بوده‌اند.

متوسط در آمدهاست. معاون وزیر دارایی در خرداد ماه امسال اعلام کرد که در سال ۶۷ درآمد حدود ۴۰ درصد از مردم ایران یک دهم درآمد سرانه کشور بود در حالیکه تنها یک درصد از مردم ۲۱ برابر درآمد سرانه کشور، درآمد داشته‌اند.

بالاترین هزینه زندگی یک خانواده شهری در سال ۶۷ مربوط به مسکن و نزدیک به ۵۰ درصد کل هزینه‌های غیر خوراکی بوده است. در حالیکه بیش از ۴۰ درصد از حمام گرم، حدود ۵۵ درصد از کولر، ۷۵ درصد از تلفن و حدود ۹۲ درصد از حرارت مرکزی (شوفاژ) محروم بوده‌اند.

در سال ۶۷ همچنین حدود ۱۸ درصد خانوارها فاقد تلویزیون، ۱۰ درصد فاقد یخچال، ۶۵ درصد فاقد ماشین لباسشویی، ۷۵ درصد فاقد چارو برقی و ۸۵ درصد فاقد فریزر بوده‌اند.

بالاترین هزینه زندگی یک خانواده شهری در سال ۶۷ مربوط به مسکن و نزدیک به ۵۰ درصد کل هزینه‌های غیر خوراکی بوده است. در حالیکه بیش از ۴۰ درصد از حمام گرم، حدود ۵۵ درصد از کولر، ۷۵ درصد از تلفن و حدود ۹۲ درصد از حرارت مرکزی (شوفاژ) محروم بوده‌اند.

در سال ۶۷ همچنین حدود ۱۸ درصد خانوارها فاقد تلویزیون، ۱۰ درصد فاقد یخچال، ۶۵ درصد فاقد ماشین لباسشویی، ۷۵ درصد فاقد چارو برقی و ۸۵ درصد فاقد فریزر بوده‌اند.

بالاترین هزینه زندگی یک خانواده شهری در سال ۶۷ مربوط به مسکن و نزدیک به ۵۰ درصد کل هزینه‌های غیر خوراکی بوده است. در حالیکه بیش از ۴۰ درصد از حمام گرم، حدود ۵۵ درصد از کولر، ۷۵ درصد از تلفن و حدود ۹۲ درصد از حرارت مرکزی (شوفاژ) محروم بوده‌اند.

در سال ۶۷ همچنین حدود ۱۸ درصد خانوارها فاقد تلویزیون، ۱۰ درصد فاقد یخچال، ۶۵ درصد فاقد ماشین لباسشویی، ۷۵ درصد فاقد چارو برقی و ۸۵ درصد فاقد فریزر بوده‌اند.

بالاترین هزینه زندگی یک خانواده شهری در سال ۶۷ مربوط به مسکن و نزدیک به ۵۰ درصد کل هزینه‌های غیر خوراکی بوده است. در حالیکه بیش از ۴۰ درصد از حمام گرم، حدود ۵۵ درصد از کولر، ۷۵ درصد از تلفن و حدود ۹۲ درصد از حرارت مرکزی (شوفاژ) محروم بوده‌اند.

در سال ۶۷ همچنین حدود ۱۸ درصد خانوارها فاقد تلویزیون، ۱۰ درصد فاقد یخچال، ۶۵ درصد فاقد ماشین لباسشویی، ۷۵ درصد فاقد چارو برقی و ۸۵ درصد فاقد فریزر بوده‌اند.

بالاترین هزینه زندگی یک خانواده شهری در سال ۶۷ مربوط به مسکن و نزدیک به ۵۰ درصد کل هزینه‌های غیر خوراکی بوده است. در حالیکه بیش از ۴۰ درصد از حمام گرم، حدود ۵۵ درصد از کولر، ۷۵ درصد از تلفن و حدود ۹۲ درصد از حرارت مرکزی (شوفاژ) محروم بوده‌اند.

در سال ۶۷ همچنین حدود ۱۸ درصد خانوارها فاقد تلویزیون، ۱۰ درصد فاقد یخچال، ۶۵ درصد فاقد ماشین لباسشویی، ۷۵ درصد فاقد چارو برقی و ۸۵ درصد فاقد فریزر بوده‌اند.

بالاترین هزینه زندگی یک خانواده شهری در سال ۶۷ مربوط به مسکن و نزدیک به ۵۰ درصد کل هزینه‌های غیر خوراکی بوده است. در حالیکه بیش از ۴۰ درصد از حمام گرم، حدود ۵۵ درصد از کولر، ۷۵ درصد از تلفن و حدود ۹۲ درصد از حرارت مرکزی (شوفاژ) محروم بوده‌اند.

در سال ۶۷ همچنین حدود ۱۸ درصد خانوارها فاقد تلویزیون، ۱۰ درصد فاقد یخچال، ۶۵ درصد فاقد ماشین لباسشویی، ۷۵ درصد فاقد چارو برقی و ۸۵ درصد فاقد فریزر بوده‌اند.

بالاترین هزینه زندگی یک خانواده شهری در سال ۶۷ مربوط به مسکن و نزدیک به ۵۰ درصد کل هزینه‌های غیر خوراکی بوده است. در حالیکه بیش از ۴۰ درصد از حمام گرم، حدود ۵۵ درصد از کولر، ۷۵ درصد از تلفن و حدود ۹۲ درصد از حرارت مرکزی (شوفاژ) محروم بوده‌اند.

در سال ۶۷ همچنین حدود ۱۸ درصد خانوارها فاقد تلویزیون، ۱۰ درصد فاقد یخچال، ۶۵ درصد فاقد ماشین لباسشویی، ۷۵ درصد فاقد چارو برقی و ۸۵ درصد فاقد فریزر بوده‌اند.

بالاترین هزینه زندگی یک خانواده شهری در سال ۶۷ مربوط به مسکن و نزدیک به ۵۰ درصد کل هزینه‌های غیر خوراکی بوده است. در حالیکه بیش از ۴۰ درصد از حمام گرم، حدود ۵۵ درصد از کولر، ۷۵ درصد از تلفن و حدود ۹۲ درصد از حرارت مرکزی (شوفاژ) محروم بوده‌اند.

در سال ۶۷ همچنین حدود ۱۸ درصد خانوارها فاقد تلویزیون، ۱۰ درصد فاقد یخچال، ۶۵ درصد فاقد ماشین لباسشویی، ۷۵ درصد فاقد چارو برقی و ۸۵ درصد فاقد فریزر بوده‌اند.

بالاترین هزینه زندگی یک خانواده شهری در سال ۶۷ مربوط به مسکن و نزدیک به ۵۰ درصد کل هزینه‌های غیر خوراکی بوده است. در حالیکه بیش از ۴۰ درصد از حمام گرم، حدود ۵۵ درصد از کولر، ۷۵ درصد از تلفن و حدود ۹۲ درصد از حرارت مرکزی (شوفاژ) محروم بوده‌اند.

در سال ۶۷ همچنین حدود ۱۸ درصد خانوارها فاقد تلویزیون، ۱۰ درصد فاقد یخچال، ۶۵ درصد فاقد ماشین لباسشویی، ۷۵ درصد فاقد چارو برقی و ۸۵ درصد فاقد فریزر بوده‌اند.

بالاترین هزینه زندگی یک خانواده شهری در سال ۶۷ مربوط به مسکن و نزدیک به ۵۰ درصد کل هزینه‌های غیر خوراکی بوده است. در حالیکه بیش از ۴۰ درصد از حمام گرم، حدود ۵۵ درصد از کولر، ۷۵ درصد از تلفن و حدود ۹۲ درصد از حرارت مرکزی (شوفاژ) محروم بوده‌اند.

در سال ۶۷ همچنین حدود ۱۸ درصد خانوارها فاقد تلویزیون، ۱۰ درصد فاقد یخچال، ۶۵ درصد فاقد ماشین لباسشویی، ۷۵ درصد فاقد چارو برقی و ۸۵ درصد فاقد فریزر بوده‌اند.

بالاترین هزینه زندگی یک خانواده شهری در سال ۶۷ مربوط به مسکن و نزدیک به ۵۰ درصد کل هزینه‌های غیر خوراکی بوده است. در حالیکه بیش از ۴۰ درصد از حمام گرم، حدود ۵۵ درصد از کولر، ۷۵ درصد از تلفن و حدود ۹۲ درصد از حرارت مرکزی (شوفاژ) محروم بوده‌اند.

در سال ۶۷ همچنین حدود ۱۸ درصد خانوارها فاقد تلویزیون، ۱۰ درصد فاقد یخچال، ۶۵ درصد فاقد ماشین لباسشویی، ۷۵ درصد فاقد چارو برقی و ۸۵ درصد فاقد فریزر بوده‌اند.

بالاترین هزینه زندگی یک خانواده شهری در سال ۶۷ مربوط به مسکن و نزدیک به ۵۰ درصد کل هزینه‌های غیر خوراکی بوده است. در حالیکه بیش از ۴۰ درصد از حمام گرم، حدود ۵۵ درصد از کولر، ۷۵ درصد از تلفن و حدود ۹۲ درصد از حرارت مرکزی (شوفاژ) محروم بوده‌اند.

در سال ۶۷ همچنین حدود ۱۸ درصد خانوارها فاقد تلویزیون، ۱۰ درصد فاقد یخچال، ۶۵ درصد فاقد ماشین لباسشویی، ۷۵ درصد فاقد چارو برقی و ۸۵ درصد فاقد فریزر بوده‌اند.

بالاترین هزینه زندگی یک خانواده شهری در سال ۶۷ مربوط به مسکن و نزدیک به ۵۰ درصد کل هزینه‌های غیر خوراکی بوده است. در حالیکه بیش از ۴۰ درصد از حمام گرم، حدود ۵۵ درصد از کولر، ۷۵ درصد از تلفن و حدود ۹۲ درصد از حرارت مرکزی (شوفاژ) محروم بوده‌اند.

در سال ۶۷ همچنین حدود ۱۸ درصد خانوارها فاقد تلویزیون، ۱۰ درصد فاقد یخچال، ۶۵ درصد فاقد ماشین لباسشویی، ۷۵ درصد فاقد چارو برقی و ۸۵ درصد فاقد فریزر بوده‌اند.

بالاترین هزینه زندگی یک خانواده شهری در سال ۶۷ مربوط به مسکن و نزدیک به ۵۰ درصد کل هزینه‌های غیر خوراکی بوده است. در حالیکه بیش از ۴۰ درصد از حمام گرم، حدود ۵۵ درصد از کولر، ۷۵ درصد از تلفن و حدود ۹۲ درصد از حرارت مرکزی (شوفاژ) محروم بوده‌اند.

در سال ۶۷ همچنین حدود ۱۸ درصد خانوارها فاقد تلویزیون، ۱۰ درصد فاقد یخچال، ۶۵ درصد فاقد ماشین لباسشویی، ۷۵ درصد فاقد چارو برقی و ۸۵ درصد فاقد فریزر بوده‌اند.

کارگران کارخانه پارس الکتریک: فقدان حق نماینده شدن يك مشكل كارگران زن در اين كارخانه است

ادامه از صفحه ۱

یکی از کارگران زن؛ امروز اگر زن و شوهری هر دو کار کنند باز کرایه خانه را کم می‌آورند. چون کرایه دوتا اتاق ۶ الی ۷ هزار تومان است و این بیشترین ضربه به کارگران است.

من می‌خواهم به آقای رئیس جمهور بگویم که آقا این شش هزار تومان حقوقمان را به شما می‌دهیم تا ببینیم فقط کرایه خانه برای شما می‌شود؟ توجه کنید که ما شش هزار تومان می‌گیریم و پنج هزار تومان آنرا جهت کرایه می‌دهیم. خوب با هزار تومان چطور می‌شود حتی یک زندگی بخور و نمیر داشت. بچه‌های ما واقعا اسیر ما شده‌اند و باید تاوان این را پس بدهند که ما آمدم کارگر صنعتی تولیدی شدیم. چرا چون مسئولین توجهی به جامعه کارگری ندارند. البته این کارخانه هنوز بهتر از جاهای دیگر است کارخانه‌هایی داریم که کارگرانش در بدبختی کامل بسر می‌برند. مسئولین بیایند فکری به حال این جامعه زحمتکش بکنند.

مشکلات ما بیشتر یک حالت کلی دارد. مانند مسکن و بهداشت و درمان.

شما ببینید که بیشترین فشار کار و تولید بر دوش کارگران است اما همین‌ها از کمترین امکانات رفاهی هم برخوردار نیستند و بیشترین امکانات در اختیار سرمایه داران است. در صورتی که ما برای تهیه یک قلم دارو بایستی تمام شهر را زیر پا بگذاریم برای آنها از شیر مرغ تا جان آدمیزاد مییاست. ما چند نفر در قسمت تولید کار

می‌کنیم و دچار یکسری ناراحتی از ناحیه کمر و گردن شده‌ایم. بارها تقاضای انتقال به قسمتهای دیگر داده‌ایم ولی توجه نکرده‌اند. در قسمت ما سرو صدا زیاد است و نیاز هست که از گوشیهایی عالی استفاده کنیم.

در این سالن دود قلع فراوان است و ضرورت دارد که کارگران روزانه یک بطری شیر مصرف کنند. ولی متاسفانه تا کنون هیچ اقدامی نشده است.

اول آنکه استفاده از این دفترچه‌ها (بیمه خدمات درمانی) مطلوب نیست و بهتر است از آنها بعنوان دفتر یادداشت استفاده شود. دوم اینکه اگر کارگری بیمار شود و استراحت داشته باشد باید آنقدر به این اتاق و آن اتاق برود که جانش به لبش برسد. آخر اینهم شد سرویس دهی!

انتظارم اینست که مسئولین بیمه حقوق روزهای استراحت پزشکی را سریم بپردازند.

یکی از کارگران زن: عده‌ای از کارگران در کلاسهای پیش دانشگاهی قبول شدند. ولی در حال حاضر با مشکلی زوبرو هستند که تا تولید کامل ندهند حق ندارند مرخصی بگیرند. در غیر اینصورت کسر کار خواهند داشت که این باعث کاهش حقوق و بهره‌وری و مزایای آنها می‌شود. انتظارمان اینست این مشکلات حل شود تا کارگران بتوانند به تحصیلاتشان ادامه بدهند. همچنین انتظارمان اینست که وقتی ما در کلاس شرکت می‌کنیم امکانات لازم را در اختیار ما قرار دهند. مثلا از سرویسهای شرکت استفاده کنیم.

در این کارخانه هم مهد کودک و هم شیرخوارگاه هست. ولی اینها امکانات کافی ندارند. مسئولین شرکت باید امکانات بیشتری در اختیار قرار دهند. من پیشنهادم اینست که محل نگهداری بچه‌ها به جای دیگری دور از کارخانه و سالن تولید منتقل شود. فضای سبز ایجاد شود و بازیهایی فکری برای بچه‌ها فراهم شود تا اینها بغبوبی پرورش یابند. نه اینکه آنها را در فضای بسته نگهدارند و زمان پایان کار تحویل مادرانشان بدهند.

با توجه به محدودیتها ما باید خوب به بچه‌هایمان برسیم و آنها را تحت نظر پزشک نگهداریم، بهتر است یک پزشک شخصا در خدمت کارخانه باشد.

یکی از کارکنان شیرخوارگاه: همانطور که ملاحظه می‌کنید شیرخوارگاه علاوه بر همجواری بودن با سالن تولید، تهیه قوی ندارد و هوای آن برای

بیش از یکبار زن دارد در صورتیکه

یکی دیگر از پرستاران: شیرخوارگاه اتاق تغذیه ندارد و مادران باید کنار تخت کودکان آنها را تغذیه کنند. این عمل غیر بهداشتی است و باید یک اتاق برای تغذیه وجود داشته باشد.

یکی از کارگران زن: این شرکت

بیش از یکبار زن دارد در صورتیکه

یکی دیگر از پرستاران: شیرخوارگاه اتاق تغذیه ندارد و مادران باید کنار تخت کودکان آنها را تغذیه کنند. این عمل غیر بهداشتی است و باید یک اتاق برای تغذیه وجود داشته باشد.

یکی از کارگران زن: این شرکت

بیش از یکبار زن دارد در صورتیکه

یکی دیگر از پرستاران: شیرخوارگاه اتاق تغذیه ندارد و مادران باید کنار تخت کودکان آنها را تغذیه کنند. این عمل غیر بهداشتی است و باید یک اتاق برای تغذیه وجود داشته باشد.

یکی از کارگران زن: این شرکت

بیش از یکبار زن دارد در صورتیکه

یکی دیگر از پرستاران: شیرخوارگاه اتاق تغذیه ندارد و مادران باید کنار تخت کودکان آنها را تغذیه کنند. این عمل غیر بهداشتی است و باید یک اتاق برای تغذیه وجود داشته باشد.

یکی از کارگران زن: این شرکت

بیش از یکبار زن دارد در صورتیکه

یکی دیگر از پرستاران: شیرخوارگاه اتاق تغذیه ندارد و مادران باید کنار تخت کودکان آنها را تغذیه کنند. این عمل غیر بهداشتی است و باید یک اتاق برای تغذیه وجود داشته باشد.

یکی از کارگران زن: این شرکت

بیش از یکبار زن دارد در صورتیکه

یکی دیگر از پرستاران: شیرخوارگاه اتاق تغذیه ندارد و مادران باید کنار تخت کودکان آنها را تغذیه کنند. این عمل غیر بهداشتی است و باید یک اتاق برای تغذیه وجود داشته باشد.

یکی از کارگران زن: این شرکت

بیش از یکبار زن دارد در صورتیکه

یکی دیگر از پرستاران: شیرخوارگاه اتاق تغذیه ندارد و مادران باید کنار تخت کودکان آنها را تغذیه کنند. این عمل غیر بهداشتی است و باید یک اتاق برای تغذیه وجود داشته باشد.

یکی از کارگران زن: این شرکت

بیش از یکبار زن دارد در صورتیکه

یکی دیگر از پرستاران: شیرخوارگاه اتاق تغذیه ندارد و مادران باید کنار تخت کودکان آنها را تغذیه کنند. این عمل غیر بهداشتی است و باید یک اتاق برای تغذیه وجود داشته باشد.

یکی از کارگران زن: این شرکت

بیش از یکبار زن دارد در صورتیکه

یکی دیگر از پرستاران: شیرخوارگاه اتاق تغذیه ندارد و مادران باید کنار تخت کودکان آنها را تغذیه کنند. این عمل غیر بهداشتی است و باید یک اتاق برای تغذیه وجود داشته باشد.

یکی از کارگران زن: این شرکت

بیش از یکبار زن دارد در صورتیکه

یکی دیگر از پرستاران: شیرخوارگاه اتاق تغذیه ندارد و مادران باید کنار تخت کودکان آنها را تغذیه کنند. این عمل غیر بهداشتی است و باید یک اتاق برای تغذیه وجود داشته باشد.

یکی از کارگران زن: این شرکت

بیش از یکبار زن دارد در صورتیکه

یکی دیگر از پرستاران: شیرخوارگاه اتاق تغذیه ندارد و مادران باید کنار تخت کودکان آنها را تغذیه کنند. این عمل غیر بهداشتی است و باید یک اتاق برای تغذیه وجود داشته باشد.

یکی از کارگران زن: این شرکت

بیش از یکبار زن دارد در صورتیکه

یکی دیگر از پرستاران: شیرخوارگاه اتاق تغذیه ندارد و مادران باید کنار تخت کودکان آنها را تغذیه کنند. این عمل غیر بهداشتی است و باید یک اتاق برای تغذیه وجود داشته باشد.

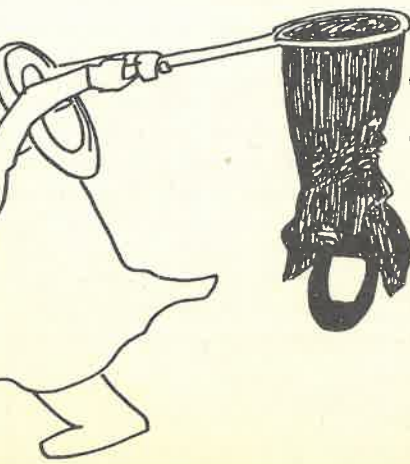
یکی از کارگران زن: این شرکت

بیش از یکبار زن دارد در صورتیکه

یکی دیگر از پرستاران: شیرخوارگاه اتاق تغذیه ندارد و مادران باید کنار تخت کودکان آنها را تغذیه کنند. این عمل غیر بهداشتی است و باید یک اتاق برای تغذیه وجود داشته باشد.

یکی از کارگران زن: این شرکت

بیش از یکبار زن دارد در صورتیکه



این تعداد هنوز موفق نشده‌اند که نماینده‌ای در تعاونها و یا شورا (اسلامی) داشته باشند. این یکی از مشکلات کارگران زن در کارخانه پارس الکتریک است. البته من برای عضویت در شورا کاندید شدم ولی از بنده خواستند که استعفا بدهم. دلایلش را هم نمی‌دانم!

مسئول شورای اسلامی: ما از خواهران تنها یک نفر کاندید داشتیم که با یک رای کیود صلاحیتشان رد شد.

مدیر کارخانه: ما سعی می‌کنیم بین مدیریت، انجمن و شورا اسلامی و بسیج کارخانه رابطه خوبی وجود داشته باشد. انجمن اسلامی پرچمدار مبارزه فرهنگی و تبلیغ اسلامی در کارخانه است و از قدرت خوبی برخوردار است. در ارتباط با بدحجابی اطلاعیه‌های مکرری داده شده است و امور اداری هم تشویقات و تنبیهاتی را در این رابطه در نظر گرفته است.

پیشنهاد ما اینست مسائلی که به کارگران مربوط می‌شود از طریق شورای اسلامی اعمال شود. همانطوریکه در قانون شوراها اسلامی آمده است آنها در تولید و سایر مسائل کارخانه بازوی مدیریت هستند.

یک عضو انجمن اسلامی: انجمن اسلامی از ۱۳۵۸ تشکیل شده است و اکنون ۹ نفر عضو دارد. خانه کارگر بعد از انقلاب تحت اشغال گروهکهای کمونیستی و ضد انقلاب قرار گرفت و هر کدام از آنها شعار حمایت از کارگر و زحمتکش را سر می‌دادند.

ولی پس از مدتی جوانان حزب‌الله و انقلابی این گروهکهای ملحد را از آنجا بیرون ریختند. منتها بسیاری از کارگران هنوز هم بدرستی متوجه این موضوع نشده‌اند و لذا شناخت دقیقی از خانه کارگر ندارند و با این تشکیلات کارگری بیگانه‌اند.

تحت خفقان سیاسی بسیار شدیدی بسر می‌برد. "کارگر امروز" می‌خواهد ابزار کارآمدی برای مبارزه بین‌المللی جنبش کارگری در راه همبستگی باشد.

ما به این نامه یک نسخه از آخرین شماره این نشریه و برگه درخواست اشتراک آنرا ضمیمه می‌کنیم. خوشحال خواهیم شد اگر کلوب یا سازمان شما "کارگر امروز" را آبیونه شود و به اعضاء در مورد انتشار این نشریه اطلاعات بدهد بخصوصی که آنها شخصا مشترک شوند و همچنین اخبار و مقالات مربوط به مبارزه در ایران در نشریه‌های داخلی و یا مطبوعات شما انتشار یابند (که البته خوبست و می‌تواند با ذکر ماخذ باشد) با دروهای صمیمانه اووه کلهز تشکیلات منطقه‌ای ال.او. در استان استکلم

ایران تحت خفقان سیاسی بسیار شدیدی بسر می‌برد. "کارگر امروز" می‌خواهد ابزار کارآمدی برای مبارزه بین‌المللی جنبش کارگری در راه همبستگی باشد.

ما به این نامه یک نسخه از آخرین شماره این نشریه و برگه درخواست اشتراک آنرا ضمیمه می‌کنیم. خوشحال خواهیم شد اگر کلوب یا سازمان شما "کارگر امروز" را آبیونه شود و به اعضاء در مورد انتشار این نشریه اطلاعات بدهد بخصوصی که آنها شخصا مشترک شوند و همچنین اخبار و مقالات مربوط به مبارزه در ایران در نشریه‌های داخلی و یا مطبوعات شما انتشار یابند (که البته خوبست و می‌تواند با ذکر ماخذ باشد) با دروهای صمیمانه اووه کلهز تشکیلات منطقه‌ای ال.او. در استان استکلم

ما به این نامه یک نسخه از آخرین شماره این نشریه و برگه درخواست اشتراک آنرا ضمیمه می‌کنیم. خوشحال خواهیم شد اگر کلوب یا سازمان شما "کارگر امروز" را آبیونه شود و به اعضاء در مورد انتشار این نشریه اطلاعات بدهد بخصوصی که آنها شخصا مشترک شوند و همچنین اخبار و مقالات مربوط به مبارزه در ایران در نشریه‌های داخلی و یا مطبوعات شما انتشار یابند (که البته خوبست و می‌تواند با ذکر ماخذ باشد) با دروهای صمیمانه اووه کلهز تشکیلات منطقه‌ای ال.او. در استان استکلم

ما به این نامه یک نسخه از آخرین شماره این نشریه و برگه درخواست اشتراک آنرا ضمیمه می‌کنیم. خوشحال خواهیم شد اگر کلوب یا سازمان شما "کارگر امروز" را آبیونه شود و به اعضاء در مورد انتشار این نشریه اطلاعات بدهد بخصوصی که آنها شخصا مشترک شوند و همچنین اخبار و مقالات مربوط به مبارزه در ایران در نشریه‌های داخلی و یا مطبوعات شما انتشار یابند (که البته خوبست و می‌تواند با ذکر ماخذ باشد) با دروهای صمیمانه اووه کلهز تشکیلات منطقه‌ای ال.او. در استان استکلم

ما به این نامه یک نسخه از آخرین شماره این نشریه و برگه درخواست اشتراک آنرا ضمیمه می‌کنیم. خوشحال خواهیم شد اگر کلوب یا سازمان شما "کارگر امروز" را آبیونه شود و به اعضاء در مورد انتشار این نشریه اطلاعات بدهد بخصوصی که آنها شخصا مشترک شوند و همچنین اخبار و مقالات مربوط به مبارزه در ایران در نشریه‌های داخلی و یا مطبوعات شما انتشار یابند (که البته خوبست و می‌تواند با ذکر ماخذ باشد) با دروهای صمیمانه اووه کلهز تشکیلات منطقه‌ای ال.او. در استان استکلم

ما به این نامه یک نسخه از آخرین شماره این نشریه و برگه درخواست اشتراک آنرا ضمیمه می‌کنیم. خوشحال خواهیم شد اگر کلوب یا سازمان شما "کارگر امروز" را آبیونه شود و به اعضاء در مورد انتشار این نشریه اطلاعات بدهد بخصوصی که آنها شخصا مشترک شوند و همچنین اخبار و مقالات مربوط به مبارزه در ایران در نشریه‌های داخلی و یا مطبوعات شما انتشار یابند (که البته خوبست و می‌تواند با ذکر ماخذ باشد) با دروهای صمیمانه اووه کلهز تشکیلات منطقه‌ای ال.او. در استان استکلم

ما به این نامه یک نسخه از آخرین شماره این نشریه و برگه درخواست اشتراک آنرا ضمیمه می‌کنیم. خوشحال خواهیم شد اگر کلوب یا سازمان شما "کارگر امروز" را آبیونه شود و به اعضاء در مورد انتشار این نشریه اطلاعات بدهد بخصوصی که آنها شخصا مشترک شوند و همچنین اخبار و مقالات مربوط به مبارزه در ایران در نشریه‌های داخلی و یا مطبوعات شما انتشار یابند (که البته خوبست و می‌تواند با ذکر ماخذ باشد) با دروهای صمیمانه اووه کلهز تشکیلات منطقه‌ای ال.او. در استان استکلم

ما به این نامه یک نسخه از آخرین شماره این نشریه و برگه درخواست اشتراک آنرا ضمیمه می‌کنیم. خوشحال خواهیم شد اگر کلوب یا سازمان شما "کارگر امروز" را آبیونه شود و به اعضاء در مورد انتشار این نشریه اطلاعات بدهد بخصوصی که آنها شخصا مشترک شوند و همچنین اخبار و مقالات مربوط به مبارزه در ایران در نشریه‌های داخلی و یا مطبوعات شما انتشار یابند (که البته خوبست و می‌تواند با ذکر ماخذ باشد) با دروهای صمیمانه اووه کلهز تشکیلات منطقه‌ای ال.او. در استان استکلم

ما به این نامه یک نسخه از آخرین شماره این نشریه و برگه درخواست اشتراک آنرا ضمیمه می‌کنیم. خوشحال خواهیم شد اگر کلوب یا سازمان شما "کارگر امروز" را آبیونه شود و به اعضاء در مورد انتشار این نشریه اطلاعات بدهد بخصوصی که آنها شخصا مشترک شوند و همچنین اخبار و مقالات مربوط به مبارزه در ایران در نشریه‌های داخلی و یا مطبوعات شما انتشار یابند (که البته خوبست و می‌تواند با ذکر ماخذ باشد) با دروهای صمیمانه اووه کلهز تشکیلات منطقه‌ای ال.او. در استان استکلم

ما به این نامه یک نسخه از آخرین شماره این نشریه و برگه درخواست اشتراک آنرا ضمیمه می‌کنیم. خوشحال خواهیم شد اگر کلوب یا سازمان شما "کارگر امروز" را آبیونه شود و به اعضاء در مورد انتشار این نشریه اطلاعات بدهد بخصوصی که آنها شخصا مشترک شوند و همچنین اخبار و مقالات مربوط به مبارزه در ایران در نشریه‌های داخلی و یا مطبوعات شما انتشار یابند (که البته خوبست و می‌تواند با ذکر ماخذ باشد) با دروهای صمیمانه اووه کلهز تشکیلات منطقه‌ای ال.او. در استان استکلم

ما به این نامه یک نسخه از آخرین شماره این نشریه و برگه درخواست اشتراک آنرا ضمیمه می‌کنیم. خوشحال خواهیم شد اگر کلوب یا سازمان شما "کارگر امروز" را آبیونه شود و به اعضاء در مورد انتشار این نشریه اطلاعات بدهد بخصوصی که آنها شخصا مشترک شوند و همچنین اخبار و مقالات مربوط به مبارزه در ایران در نشریه‌های داخلی و یا مطبوعات شما انتشار یابند (که البته خوبست و می‌تواند با ذکر ماخذ باشد) با دروهای صمیمانه اووه کلهز تشکیلات منطقه‌ای ال.او. در استان استکلم

ما به این نامه یک نسخه از آخرین شماره این نشریه و برگه درخواست اشتراک آنرا ضمیمه می‌کنیم. خوشحال خواهیم شد اگر کلوب یا سازمان شما "کارگر امروز" را آبیونه شود و به اعضاء در مورد انتشار این نشریه اطلاعات بدهد بخصوصی که آنها شخصا مشترک شوند و همچنین اخبار و مقالات مربوط به مبارزه در ایران در نشریه‌های داخلی و یا مطبوعات شما انتشار یابند (که البته خوبست و می‌تواند با ذکر ماخذ باشد) با دروهای صمیمانه اووه کلهز تشکیلات منطقه‌ای ال.او. در استان استکلم

ما به این نامه یک نسخه از آخرین شماره این نشریه و برگه درخواست اشتراک آنرا ضمیمه می‌کنیم. خوشحال خواهیم شد اگر کلوب یا سازمان شما "کارگر امروز" را آبیونه شود و به اعضاء در مورد انتشار این نشریه اطلاعات بدهد بخصوصی که آنها شخصا مشترک شوند و همچنین اخبار و مقالات مربوط به مبارزه در ایران در نشریه‌های داخلی و یا مطبوعات شما انتشار یابند (که البته خوبست و می‌تواند با ذکر ماخذ باشد) با دروهای صمیمانه اووه کلهز تشکیلات منطقه‌ای ال.او. در استان استکلم

ما به این نامه یک نسخه از آخرین شماره این نشریه و برگه درخواست اشتراک آنرا ضمیمه می‌کنیم. خوشحال خواهیم شد اگر کلوب یا سازمان شما "کارگر امروز" را آبیونه شود و به اعضاء در مورد انتشار این نشریه اطلاعات بدهد بخصوصی که آنها شخصا مشترک شوند و همچنین اخبار و مقالات مربوط به مبارزه در ایران در نشریه‌های داخلی و یا مطبوعات شما انتشار یابند (که البته خوبست و می‌تواند با ذکر ماخذ باشد) با دروهای صمیمانه اووه کلهز تشکیلات منطقه‌ای ال.او. در استان استکلم

نشریه کارگر امروز در کلوبهای ال.او. در سوئد

به: اتحادیه‌ها، بخشهای ال.او. و گیرندگان که در زیر نامه نام برده شده‌اند.

"کارگر امروز" را آبیونه کنید. رفقا! "کارگر امروز" یک نشریه کارگری مستقل و جدید است که هر ماه یکبار در سوئد منتشر می‌شود. زبان نشریه فارسی و انگلیسی است.

هدف از انتشار این نشریه تسهیل رسیدن اطلاعات به تعداد زیادی از کارگران ایرانی است که اینجا در تبعید زندگی می‌کنند. بسیاری از مقالات نشریه، این کارگران را فرامی‌خواند که در سازمانهای اتحادیه‌ای ما هم در سوئد فعال

شوند. برای ما که نای توانیم فارسی را بقبولیم، متن انگلیسی واضح و بشکلی مجزا ارائه شده است. این هما امکان می‌دهد که زبان یاد بگیریم و بعلاوه از این نشریه بعنوان یک ابزار اتحادیه‌ای در رابطه مان با ایرانیان و اعضای فارسی زبان اتحادیه استفاده کنیم.

هدف اصلی این نشریه اینست که جنبش کارگری در اروپا و آمریکا را با اطلاعات موثق و مبتنی بر حقایق، در مورد اوضاع و احوال ایران بویژه مبارزه کارگران در راه آزادی و حقوق انسانی، تجهیز کند. همانطور که می‌دانید طبقه کارگر

سوئد - آمریکا - لس آنجلس شرکت کتاب 1387 Westwood Blvd. Los Angeles, CA 90024 Tel: (213)477-7-477

انگلستان - لندن کتابفروشی Collets International 129-131 Charing Cross Road London WC2H 0EQ

سوئد - استکلم Frejgatan 82 113 31 Stockholm Tel: (08)300195

یوله Sanir Livs och Video S-Kungsgatan 8 80252 Gavle

مالمو Roda Stjarnan Ystadsgatan 15 214 24 Malmo Tel: 040-920340

کیوسک George V 99 Ave Champs-Elysees Paris

کیوسک Wagram Ch. de Gauelle-Etoile Paris آلمان - هامبورگ Hein Rich-Heine Buch andlung Schluter str. 1 2000 Hamburg 13

تحریم مراسم دولتی اول ماه مه

مرکز خبری کارگر امروز: اخباری که اخیرا از چگونگی برپائی اول مه در کارخانه‌های مختلف می‌رسد، همچنان از تحریم وسیع مراسم دولتی اول مه که به ابتکار خانه کارگر جمهوری اسلامی بر سر گور خمینی برگزار شد، حکایت می‌کند.

به گزارش حزب کمونیست ایران در کارخانه ایران پویا علیرغم آنکه تمام سرویسها برای رفتن به بهشت زهرا آماده شده بود فقط تعدادی کمی از کارگران را توانستند به مراسم بکشانند. باقی کارگران به خانه‌های خود رفتند.

در کارخانه سایپا کارگران در جمعهای کوچک خود اول مه را جشن گرفتند و درباره تاریخچه این روز صحبت کردند. با وجود اینکه در این روز کارخانه رسماً تعطیل نبود، اما تولیدی صورت نگرفت.

در بخشهایی از کارخانه زمزم نیز کارگران در اجتماعات مستقل خود و با خواندن شعر و سرود و صرف شیرینی اول مه را جشن گرفتند.

در کارخانه پارسپولن خرم‌آباد نیز علیرغم کوششهای انجمن اسلامی که از چند روز زودتر آغاز شده بود جز مدیریت و اعضای انجمن اسلامی و وابستگان آن کس دیگری را نتوانستند به محل برگزاری مراسم مسجد بزرگ شهر ببرند.

تحریم مراسم دولتی اول ماه مه مرکز خبری کارگر امروز: اخباری که اخیرا از چگونگی برپائی اول مه در کارخانه‌های مختلف می‌رسد، همچنان از تحریم وسیع مراسم دولتی اول مه که به ابتکار خانه کارگر جمهوری اسلامی بر سر گور خمینی برگزار شد، حکایت می‌کند.

به گزارش حزب کمونیست ایران در کارخانه ایران پویا علیرغم آنکه تمام سرویسها برای رفتن به بهشت زهرا آماده شده بود فقط تعدادی کمی از کارگران را توانستند به مراسم بکشانند. باقی کارگران به خانه‌های خود رفتند.

در بخشهایی از کارخانه زمزم نیز کارگران در اجتماعات مستقل خود و با خواندن شعر و سرود و صرف شیرینی اول مه را جشن گرفتند.

در کارخانه پارسپولن خرم‌آباد نیز علیرغم کوششهای انجمن اسلامی که از چند روز زودتر آغاز شده بود جز مدیریت و اعضای انجمن اسلامی و وابستگان آن کس دیگری را نتوانستند به محل برگزاری مراسم مسجد بزرگ شهر ببرند.

کارگاه امروز

مفاد قطعنامه‌های اول ماه مه سنندج ماجد ابراهیمی: مطالبه همه کارگران ایران است

ماجد ابراهیمی (نام مستعار) یکی از فعالین جنبش کارگری کردستان است که بدلیل امنیتی از ذکر سابقه فعالیتش خودداری می‌شود. مصطفی صابر مصاحبه‌ای با او ترتیب داده است که بخشهایی از آنرا می‌خوانید.

● کارگر امروز: هنوز هم هستند کسانی که می‌گویند طبقه کارگر بعنوان طبقه اصلی در کردستان وجود ندارد، در این مورد چه می‌گویند؟

● ماجد ابراهیمی: این که هنوز کسان یا نیروهایی وجود طبقه کارگر و طبعا بورژوازی را در کردستان منکر می‌شوند، خنده‌دار است. هر کس کمی به دور و بر خود نگاه کند فوراً می‌فهمد که در کردستان هم دو طبقه اصلی، کارگر و سرمایه‌دار وجود دارد. این احتیاج به اثبات و استدلال ندارد. مدت‌ها قبل از سالهای اخیر که اعتراضات کارگری در سطح جامعه اینطور وسیع خود را نشان بدهد، طبقه کارگر در اینجا وجود داشته است. هفتاد، هشتاد در صد جمعیت مثلا سنندج کسانی هستند که از قبل نیروی کارشان زندگی می‌کنند. پس اینها که در کارخانه‌ها، کارگاه‌ها، شهرداری و شرکت نفت، سنگبریها و معادن و مزارع کار می‌کنند، کی هستند؟ نه فقط در شهرها بلکه در هر کوره روستایی کارگر هست. الان در همه دنیا اینطور است.

● ک.ا.ا.: فوری ترین مطالبات کارگران در کردستان چیست؟
● ا.ا.م.: افزایش دستمزد مهمترین مساله کارگران است. همینطور بیمه بیکاری و مساله ساعت کار. و اعتراضات پراکنده و وسیعی برای افزایش دستمزد و کاهش ساعت کار در جریان است.

● ک.ا.ا.: به نظر شما قطعنامه‌هایی که در اجتماعات اول مه صادر می‌شود، بیشتر مطالبات کدام بخشهای کارگران است؟

● ا.ا.م.: قطعنامه‌های اجتماعات چهار پنج سال اخیر در اول مه سنندج، مطالبات فوری کل کارگران است. مطالبات طبقاتی است. حال اگر کارگرانی نتوانسته‌اند در آن اجتماعات حاضر بشوند و یا اصلا حتی قطعنامه بدستشان نرسیده است، فرقی در موضوع نمی‌کند. آن قطعنامه‌ها خواست همه کارگران در کردستان و سراسر ایران است.

● ک.ا.ا.: در آن قطعنامه مثلا خواهان چهل ساعت کار در هفته شده‌اید؟

● ا.ا.م.: بله از سال ۵۷ خواست ۴۰ ساعت کار در هفته در بین کارگران ایران وسیعاً مطرح شده است و همه آنرا می‌خواهند. اما چرا الان کارگران نتوانسته‌اند آنرا بگیرند و حتی در بخشهای وسیعی مثل کارهای ساختمانی و کارگاههای کوچک کارگران مجبورند روزانه ۱۱ ساعت کار کنند، علتش ضعفهای ماست و نداشتن تشکلهای پایدار. وگرنه اعتراض برای

کاهش ساعت کار همیشه وجود دارد. ● ک.ا.ا.: آیا طرح شعار ۳۵ ساعت کار را در جنبش کارگری ایران درست می‌دانید؟
● ا.ا.م.: بنظر من درست است. البته ممکن است خیلی‌ها بگویند ما هنوز ۴۰ ساعت کار را بدست نیاورده‌ایم و این مطالبه حالا ممکن نیست. اما تا آنجا که به کارگران سنندج مربوط می‌شود در بین کارگران پیشرو ۳۵ ساعت کار کاملاً مطرح است. در اجتماعات اول مه درباره آن صحبت شده است. در اروپا دارند ۳۵ ساعت را می‌گیرند و ما هم نباید حتی به ۴۰ ساعت کار رضایت بدهیم.

● ک.ا.ا.: در مورد شکل کارگران در سنندج برایمان بگویید؟

● ا.ا.م.: این تشکل به اندازه کافی به مسائل اقتصادی کارگران توجه نکرد و این اعضا را دلسرد می‌کرد. از طرف دیگر صاحبکارها به اداره کار شکایت می‌کردند که اتحادیه صنعتگر مزاحم ماست و در نتیجه اداره کار هم علیه ما کار شکستی می‌کرد. این تشکل نتوانست با اتحادیه‌های رسمی که آنها را سازشکار و زیر نفوذ دولت می‌دانست رابطه موثری برقرار کند. گرایش‌های مختلفی در آن بود مثلا عده‌ای معتقد بودند که فقط باید در چهارچوب قانون ماند و عده‌ای می‌گفتند که باید تنها به یک صنف محدود باشد اما اکثریت با اینها مخالف بودند. نقش فعال ما در

برگزاری اجتماعات اول مه حساسیت بسیار زیادی در اداره کار و ارگانهای دولتی برانگیخته بود. و بالاخره من که در تمام فعالیتهای اتحادیه دخیل بودم می‌توانم بگویم که ما واقعا بی تجربه بودیم. در پائیز ۶۶ تهدیدها و اخطارهای جدی از جانب اداره کار شروع شد. آنها می‌گفتند که شما یک تشکل برای هواداران کومله ساخته‌اید و انگیزه‌های سیاسی دارید. تهدید و ارباب طبعا در بین اعضا تاثیر داشت. گرایش

خواست خودمختاری و مساله ملی تا سال ۶۱ و ۶۲ هم قدری بین کارگران پر رنگ بود، اما در چند سال اخیر دیگر نیست. و من از زبان کارگری نشنیده‌ام که مثلا بگوید برای خودمختاری مبارزه می‌کنم. یا اینکه ما یک جنبش انقلابی هستیم برای خودمان جدا از سایر کارگران ایران که می‌خواهیم به زبان خودمان حرف بزنیم و لباس کردی بپوشیم. البته حق تعیین سرنوشت بجای خود هست. اما کارگر می‌گوید که به این مساله هم از طریق طبقاتی و با یک دید طبقاتی باید برخورد شود. این مساله حالا دیگر برای کارگران روشن شده است. این مشکل من نیست که حالا مثلا بورژوازی من کرد باشد.

محافظة کار هم گرچه بسیار ضعیف بود اما در دامن زدن به رعب و ترس نقش داشت. اینها می‌گفتند که اتحادیه صنعتگر باید از راههای قانونی برود و مثلا دست به دامن خاله کارگر جمهوری اسلامی بشود اما اکثریت فعالین می‌گفتند که باید از کارگران شهر بخواهیم که در دفاع از

ما جلوی اداره کار جمع شوند. اما ما نتوانستیم این کار را انجام دهیم و بعد از اول مه ۶۷ اتحادیه صنعتگر بوسیله دولت بسته شد. ● ک.ا.ا.: آیا در سنندج جمهوری اسلامی توانسته است شوراهای اسلامی را بوجود بیاورد؟
● ا.ا.م.: خیر. آنها چندین بار تلاش کردند که در کارخانه‌ها مثلا پوشاک و شامو شوراهای اسلامی را بوجود بیاورند اما موفق نشده‌اند. کارگران در کردستان اجازه تشکیل این ارگانها را نداده‌اند.

● ک.ا.ا.: اجتماعات اول مه چطور سازمان می‌یافت؟
● ا.ا.م.: چندین ماه قبل از اول مه هیات تدارکی متشکل از کارگران کارخانه‌ها و همینطور اصناف مختلف بوجود می‌آمد و طی ماهها کار تبلیغی و سازماندهی اجتماعات اول مه را تدارک می‌دید. کارهای مختلفی از جمع آوری پول برای جشن تا خرید شیرینی و تزیینات محل گردمایی تا مراجعه به اداره کار و یا مثلا ترتیب دادن نمایش و انجام سخنرانی و انتظامات جلسه و بسیاری کارهای دیگر توسط هیات تدارک به کارگران مختلف سپرده می‌شد.

● ک.ا.ا.: آنها با کارگران شهرهای دیگر در کردستان تماس داشتند؟
● ا.ا.م.: این در دستور اتحادیه صنعتگر هم بود و تلاشهایی هم شده است. اما هنوز ارتباطات و روابط محکمی بوجود نیامده است.

● ک.ا.ا.: کلا دستاوردهای اجتماعات اول مه تا همینجا برای کارگران چه بوده است؟
● ا.ا.م.: اول مه یک سنت انترناسیونالیستی است که بین کارگران جا افتاده است. این بسیار مهم

است. کلا این اجتماعات به جاگیر شدن سنت مبارزه طبقاتی کمک کرده است. روابط بین کارگران صمیمانه‌تر شده است. بسیاری حالا همدیگر را می‌شناسند. تعداد زیادی از کارگران برای پیش بردن مبارزه طبقاتی پرورش یافته‌اند. حالا مردم روی نیروی کارگران بطور جدی حساب می‌کنند. مردم می‌بینند که این کارگران هستند که در روز جشن بین‌المللی شان جایی را بزور می‌گیرند و اجتماعشان را رو در روی حکومت برگزار می‌کنند، قطعنامه می‌دهند و قطعنامه خود را بطور وسیع پخش می‌کنند. تا سال ۵۹ و ۶۰ چیزی به اسم روز کارگر خیلی کم رنگ بود. اما امروز روز کارگر سر زبان هر کسی هست.

● ک.ا.ا.: بنظر شما چه گرایش‌هایی در بین کارگران سنندج و سایر شهرهای کردستان وجود دارد؟

● ا.ا.م.: در بین کارگران کردستان که من بیشتر آشنائی دارم گرایش به کمونیسم بسیار قوی تر از سایر گرایش‌هاست. این را می‌شود در تمایل وسیع به کومله، در قطعنامه‌ها و خواسته‌های کارگران و در نحوه عمل آنها مشاهده کرد. قطعنامه‌هایی که به یک صنف محدود است و نه به کردستان و حتی ایران بلکه خواسته‌های طبقاتی و بین‌المللی کارگران را مطرح می‌کند و بند بند آن سوسیالیستی است، فقط از گرایش کمونیستی می‌تواند باشد. گرایش‌ها دیگر هم وجود دارند، گرچه بصورت خیلی ضعیف. مثلا گرایش محافظه کار که در برابر

اقدامات کارگران رادیکال سنگ اندازی می‌کنند خواهان سازش کارگران و دولت هستند و مثلا می‌گفتند لازم نیست که همه کارگران شهر سنندج در یک گردمائی وسیع و عمومی اجتماع اول مه را برپا کنند.

● ک.ا.ا.: گرایش به ناسیونالیسم کرد چه؟ آیا برای مثال حزب بورژوازی کرد، حزب دمکرات نفوذی در بین کارگران دارد؟

● ا.ا.م.: من در جاهای مختلف کار کرده‌ام و کمتر به گرایش‌های ناسیونالیستی در بین کارگران برخورد کرده‌ام. این گرایش بسیار ضعیف است. مگر در بین کارگرانی که تازه از روستا می‌آیند و با مسائل کارگری آشنائی ندارند. کارگران کردی که برای کار به سایر شهرهای ایران می‌روند با سایر کارگران مجمع عمومی مشترک می‌گذارند و مبارزات مشترکی

از سال ۶۶ جمهوری اسلامی در شهر سنندج موجی از دستگیری کارگران را آغاز کرده است. رژیم به اشکال مختلف از زندان و اعدام تا اعمال حکومت نظامی در اول مه و نظایر اینها سعی کرده است جلوی کارگران را بگیرد. اعدام جمال چراغ ویسی تنها یکی از جنایات جمهوری اسلامی علیه کارگران است. من جمال را از اتحادیه صنعتگر و فعالیتهای او در یک صندوق کمک مالی و از سال ۶۵ می‌شناختم. در سال ۶۶ جمال عضو گروه انتظامات میتینگ اول مه بود. یادم می‌آید که در سال ۶۷ او مسئول پخش شهرنی اول مه بود و از نزدیک با هیات برگزاری همکاری می‌کرد. بعلاوه در همان سال کارگران ۱۱ بالن درست کرده بودند که در شب اول مه آنها را بعنوان آغاز جشن جهانیان در آسمان شهر به نمایش بگذارند و فقط بالنی که جمال درست کرده بود موفق به پرواز شد. در سال ۶۸ هم که او بعنوان سخنران انتخاب شده بود در رابطه با

از سال ۶۶ جمهوری اسلامی در شهر سنندج موجی از دستگیری کارگران را آغاز کرده است. رژیم به اشکال مختلف از زندان و اعدام تا اعمال حکومت نظامی در اول مه و نظایر اینها سعی کرده است جلوی کارگران را بگیرد. اعدام جمال چراغ ویسی تنها یکی از جنایات جمهوری اسلامی علیه کارگران است. من از کارگران همه کشورها می‌خواهم که به این جنایت جمهوری اسلامی اعتراض کنند و در اجتماعات خود آنرا محکوم کنند.

بیمه بیکاری و ساعت کار صحبت کرد. چند روز بعد از این سخنرانی دستگیر و چند ماه بعد اعدام شد. جمال را اعدام کردند چون کارگر بود و به سرمایه‌داری و استثمار اعتراض داشت. من از کارگران همه کشورها می‌خواهم که به این جنایت جمهوری اسلامی اعتراض کنند و در اجتماعات خود آنرا محکوم کنند.

بیمه بیکاری و ساعت کار صحبت کرد. چند روز بعد از این سخنرانی دستگیر و چند ماه بعد اعدام شد. جمال را اعدام کردند چون کارگر بود و به سرمایه‌داری و استثمار اعتراض داشت. من از کارگران همه کشورها می‌خواهم که به این جنایت جمهوری اسلامی اعتراض کنند و در اجتماعات خود آنرا محکوم کنند.

بیمه بیکاری و ساعت کار صحبت کرد. چند روز بعد از این سخنرانی دستگیر و چند ماه بعد اعدام شد. جمال را اعدام کردند چون کارگر بود و به سرمایه‌داری و استثمار اعتراض داشت. من از کارگران همه کشورها می‌خواهم که به این جنایت جمهوری اسلامی اعتراض کنند و در اجتماعات خود آنرا محکوم کنند.

بیمه بیکاری و ساعت کار صحبت کرد. چند روز بعد از این سخنرانی دستگیر و چند ماه بعد اعدام شد. جمال را اعدام کردند چون کارگر بود و به سرمایه‌داری و استثمار اعتراض داشت. من از کارگران همه کشورها می‌خواهم که به این جنایت جمهوری اسلامی اعتراض کنند و در اجتماعات خود آنرا محکوم کنند.

بیمه بیکاری و ساعت کار صحبت کرد. چند روز بعد از این سخنرانی دستگیر و چند ماه بعد اعدام شد. جمال را اعدام کردند چون کارگر بود و به سرمایه‌داری و استثمار اعتراض داشت. من از کارگران همه کشورها می‌خواهم که به این جنایت جمهوری اسلامی اعتراض کنند و در اجتماعات خود آنرا محکوم کنند.

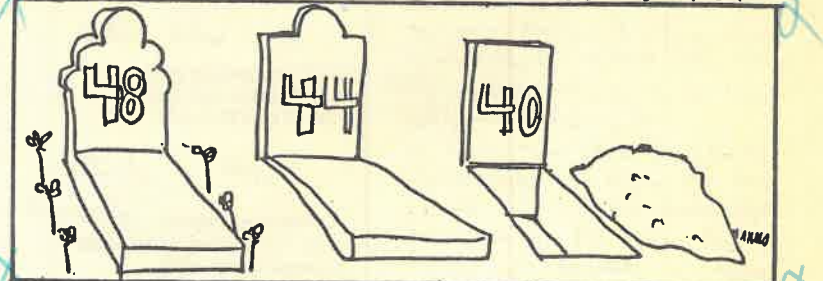
بیمه بیکاری و ساعت کار صحبت کرد. چند روز بعد از این سخنرانی دستگیر و چند ماه بعد اعدام شد. جمال را اعدام کردند چون کارگر بود و به سرمایه‌داری و استثمار اعتراض داشت. من از کارگران همه کشورها می‌خواهم که به این جنایت جمهوری اسلامی اعتراض کنند و در اجتماعات خود آنرا محکوم کنند.

بیمه بیکاری و ساعت کار صحبت کرد. چند روز بعد از این سخنرانی دستگیر و چند ماه بعد اعدام شد. جمال را اعدام کردند چون کارگر بود و به سرمایه‌داری و استثمار اعتراض داشت. من از کارگران همه کشورها می‌خواهم که به این جنایت جمهوری اسلامی اعتراض کنند و در اجتماعات خود آنرا محکوم کنند.

بیمه بیکاری و ساعت کار صحبت کرد. چند روز بعد از این سخنرانی دستگیر و چند ماه بعد اعدام شد. جمال را اعدام کردند چون کارگر بود و به سرمایه‌داری و استثمار اعتراض داشت. من از کارگران همه کشورها می‌خواهم که به این جنایت جمهوری اسلامی اعتراض کنند و در اجتماعات خود آنرا محکوم کنند.

بیمه بیکاری و ساعت کار صحبت کرد. چند روز بعد از این سخنرانی دستگیر و چند ماه بعد اعدام شد. جمال را اعدام کردند چون کارگر بود و به سرمایه‌داری و استثمار اعتراض داشت. من از کارگران همه کشورها می‌خواهم که به این جنایت جمهوری اسلامی اعتراض کنند و در اجتماعات خود آنرا محکوم کنند.

بیمه بیکاری و ساعت کار صحبت کرد. چند روز بعد از این سخنرانی دستگیر و چند ماه بعد اعدام شد. جمال را اعدام کردند چون کارگر بود و به سرمایه‌داری و استثمار اعتراض داشت. من از کارگران همه کشورها می‌خواهم که به این جنایت جمهوری اسلامی اعتراض کنند و در اجتماعات خود آنرا محکوم کنند.



بیمه بیکاری و ساعت کار صحبت کرد. چند روز بعد از این سخنرانی دستگیر و چند ماه بعد اعدام شد. جمال را اعدام کردند چون کارگر بود و به سرمایه‌داری و استثمار اعتراض داشت. من از کارگران همه کشورها می‌خواهم که به این جنایت جمهوری اسلامی اعتراض کنند و در اجتماعات خود آنرا محکوم کنند.

در حاشیه مرگ مهدی اخوان ثالث

رفیق عزیزم رضا مقدم، همکاران گرامی کارگزاران امروز،

برای نشریه کارگزاران امروز، که صفحات محدودش باید عرصه معینی را بپوشاند، درج مطلبی در انتقاد از یک شاعر شاید نامربوط بنماید. اما اطلاع دارید که اخوان ثالث در سفر به اروپا، در اوایل این تابستان در جلسه شعرخوانی‌اش، صریحا سخنانی نژاد پرستانه و ضدعرب گفت. و پس از بازگشت به ایران هم از سردمداران جمهوری اسلامی مداحی کرد. امیدوارم نشریه شما که در وهله اول همین ایرانیان مقیم خارج کشور را مخاطب دارد، نشریه‌ای که مبارزات کارگران ایران را در شرایط بغایت نامساعد حاکمیت اسلامی منعکس می‌کند، نشریه‌ای که مبلغ همبستگی جهانی کارگران، مستقل از جنسیت و نژاد و ملیت است، و خوانندگانش را، بعنوان نمونه، به دفاع از کارگر زندانی عرب، هانی بیدون، فراخوانده است، بتواند ستونهایش را بروی مطلبی که در دنبال می‌آید، و کلا بحث درباره این مسئله و نظایر آن، باز کند.

ایرج آذرین
۲۴ سپتامبر ۹۰

تکرار کند. در این فضا شاعری از ایران می‌آید و برای این هموطنان و همزبانان عقاید و احساسات نژاد پرستانه سوغات می‌آورد.

بسیاری از اتحادیه‌های کارگری اروپا یک فاشیست را به عضویت نمی‌پذیرند. اگر مقامی یا عضوی از هنر، حتی با بیان دلزدگی و نومیدی از وضع حاضر، می‌تواند توقع زندگی‌ای متعالی‌تر و انسان‌پسند را در مخاطب اثر هنری ایجاد کند. شعر اخوان ثالث، اما، شعر زندگی امروز و انسان امروز نیست، تا چه رسد به انسان‌های فردا. اخوان حال را به آینده نفروخت، به گذشته نفروخت.

اتحادیه کلامی نژادپرستانه بگوید اتحادیه اعلامیه می‌دهد، از او تبری می‌جوید، می‌خواهد که او معذرت بخواهد، حرفش را پس بگیرد و غیره. آیا هنرمندان همراه و همزبان اخوان ثالث نمی‌خواهند چیزی در این باره بگویند؟ این انجمنها و کانونهای هنرمندان و نویسندگان ایرانی در اروپا نمی‌خواهند فاصله خود را از این بیانات نژادپرستانه یک شاعر ایرانی اعلام کنند؟

آنها که با آثار و اشعار اخوان آشنایی دارند می‌دانند که ابراز این احساسات ضدعرب و نژاد پرستانه تصادفی نبوده است. رجوع کنید تا کتابش "از این اوستا" رجوع کنید تا ببینید که حتی همه اقوام غیر فارس ایران را مضحکه می‌کند. اما گویی هر عقیده ارتجاعی را به یک شرط می‌توان به یکنفر بخشید، به شرطی که طرف هنرمند و شاعر باشد! این باوری است که خصوصا این اولخر از جانب بسیاری از هنرمندان ایرانی رسماً تبلیغ می‌شود. خود اخوان سالها پیش چنین جواز را برای خودش صادر کرد. در مقدمه "آخر شاهنامه" می‌گوید: "حاضر محترم! من فقط یک دهاتی زمزمه‌کننده

هستم. نه یک روشنفکر و نه یک سوسیالیست." باشد، اما اگر روستایی ما، به صرف اینکه بلد است در قالبی زمزمه کند که از هزار سال پیش این مردم به آن خو گرفته‌اند، خواست برود بالای چهارپایه و عقاید زندگی قبیله‌ای را فریاد کند، آنوقت وظیفه یکی از همان روشنفکران سوسیالیست است که بگوید: ساکت شو. عمو جان! این حرفها که تو می‌زنی اگر از حلقوم فرماندار نظامی اسرائیل در ناصریه در آمده بود فردا همه روزنامه‌های دنیا مجبور بودند نفرشان را اعلام کنند.

پس از بازگشت از اروپا اخوان در گفتگو با مجله دنیای سخن (شماره ۳۳، مرداد و شهریور ۶۹) از

اخوان از رژیم اسلامی باید پیشاپیش جواب گفت؛ اخوان هنرمند و شاعر است، شاعران در تاریخ ایران با قدرت مسلط دینی و دولتی ساخته‌اند، تسلیمش شده‌اند، تا بتوانند "رسالت عظیمتری" را انجام دهند. شاعر رند است. حافظ هم با رندی مدح امیر مبارزالدین و شاه شجاع را گفت تا بماند و اشعارش را برای آیندگان بگذارد. سعدی و بسیاری دیگر هم. در مقابل چنین استدلالی، بدوا باید گفت که دنیای امروز دنیای قرون وسطای حافظ و امثالهم نیست. هنرمند هم مثل باقی مردم راههای دیگری جز سازش و تسلیم به قدرتهای ارتجاعی حاکم در اختیار دارد. لازم نیست رفتار هنرمندان در موارد مشابه در این گوشه و آن گوشه دنیا را در قرن بیستم برشماریم، زندگی میلیونها مرد و زن شریف ایرانی که ناکزیر از زندگی تحت حاکمیت سیاه رژیم اسلامی هستند اما تسلیمش نشده‌اند خود بهترین گواه است که اخوان ثالث هم اگر می‌خواست میتوانست راه این اکثریت جامعه را اختیار کند. اما از این نکته هم که بگذریم، در همان موارد نظیر حافظ نیز باید گفت که هیچکس تسلیمشان را به قدرتهای زورگویی وقت نسته، بلکه اگر بزرگشان داشته‌اند علیرغم این تسلیم بودند. در دادگاه پاپ فی نفسه مایه تشکر تاریخ نیست. چرا که دستکم نسل معاصر خود را از حقیقت دور کرد. اگر تاریخ اینها بر گالیله بخشوده به این سبب است که با اینکه با این عمل نسلی را به قبول خرافات کلیسا تشویق کرد، اما در عین حال گالیله علمی را بی‌افکند که نسلی آتی بشر را از قید این خرافات یکسره رها کند. هیچکس در تاریخ علوم از دانشمندان معاصر گالیله که تسلیم حکام مذهبی بودند یا از روی اعتقاد همان خرافات مذهبی را بنام علم رواج دادند، یا علیرغم هر نیت خیرشان از تسلیم و سازش، علمی را بنیان ننگداشتند یاد نمی‌کند. دانشمندان بودن یا هنرمند بودن، جواز سازش و تسلیم به هیچکس نمی‌دهد. اگر تاریخ سازش دانشمندان یا هنرمندی را با حاکمان ارتجاعی وقت بر آنها می‌بخشاید، به سبب اینست که لایذ محتوای پیشرو کار آنها بر ضرر ناکزیری که همراه هر سازش هست

می‌چربد. در مورد اخوان ثالث و رابطه‌اش با رژیم اسلامی نیز، حتی وقتی تفاوت زمانه او را با زمانه امثال حافظ منظور نکنیم، در بهترین حالت باید سراغ آثار اخوان رفت و دید به یمن پشت کردن به انسانیت معاصر و تسلیم به جمهوری اسلامی آیا ارزشهای دیرپاتری را برای آتیه بشریت بیادگار گذاشته؟ جواب مطلقا منفی است. ایراد اصلی من به اخوان ثالث خود جهان بینی و ارزشهای اجتماعی‌ای است که بر آثار او مسلط است.

بیشک آثار و عقاید اخوان ثالث منطبق بر مکتب رژیم اسلامی حاکم نیست. حتی اخوان سالها پیش پنداریافته مدعی سرهم کردن دین جدیدی شد تحت نام "مزدشت" (بگفته خودش "این بهین میوه مزدک و زردشت") که خود هم پیغمبر و هم تنها پیروش بود. اما وجه مشخصه اصلی جهان بینی اخوان این رگه مذهب سازی و مذهب بازی نیست، بلکه عظمت طلایی ایرانی اوست. اخوان، بعنوان یکی از شاعران سرخوردگی نسل دهه بیست، پس از کودتای سال ۳۲ به شهرت رسید. این اشعار برای شناخت روحیات و تمایلات عمیق

اخوان هم از آنچه ما و بسیاری درباره خامنه‌ای و همپالکهایش گفته‌ایم بیخبر بود. اما آنها واقعا اخوان می‌توانسته از آنچه خامنه‌ای‌ها بر مردم ایران کرده‌اند بیخبر باشد؟! اخوان تنها به واسطگی سقوط نکرد، مدح و ثنای داوطلبانه از چنانکاران رژیم اسلامی را هم به آن افزود. آنها که خط سیاسی شان این اولخر رسماً آشتی با جمهوری اسلامی است و از این ابرازات اخوان مشغوف هم هستند به کنار. با آنها کاری ندارم. اما شاید گروهی از دوستداران اخوان بگویند که اینها لفرش آخر عمر اخوان و عوارض پیری و بیماری اوست. (که البته هیچکس مرگ او را به این زودی پیش بینی نمی‌کرد.) برای این دسته باید یادآوری کنم که مداحی اخوان از رژیم اسلامی به هیچوجه حادثه منفردی در اوایل عمر نبود. شاید از میان آنها که در قتل عام اعلام شده رژیم در پانز سال شصت هر شب ستون اسامی اعدام شدگان روزنامه‌های عصر را با دغدغه در پی نام عزیزان خود جستجو می‌کردند کمتر کسی بیادش مانده باشد که، در کنار صفحات لیست اعدام شده‌ها، یکسبب کیهان صحبت و شعری هم از اخوان داشت. قصیده‌ای با همان مضامین و شاید الهام از خطبه‌های نماز جمعه منتظری، که به "رزمندگان اسلام" تقدیم شده بود. (اگر درست یادم مانده باشد با مطلبی شبیه این، "گرچه می‌بافند بپر شیرها زنجیرها— بکسلند زنجیرها را عاقبت چه چیزی می‌توانست اخوان را از همان نه سال پیش در کنار رژیم اسلامی قرار دهد.

استدلال دیگری را در توجیه مداحی

سیاسی گروه وسیعی از آن نسل ارزش بررسی جامعه شناسانه دارد. دیدگاه ناسیونالیستی که در بسیاری از اشعار اخوان پیداست (مثلا قطعه "نادر یا اسکندر"، یا منظومه "قصه شهر سنگستان") بیان انتظارات بسیاری از جوانان سالهای بیست، چه در حزب توده و چه در احزاب جبهه ملی است. پس از فاصله گرفتن از شکست سال ۳۲، این ناسیونالیسم در اخوان به یک عظمت طلایی ایران باستانی تبدیل می‌شود. تفاوت اینجاست که اینبار شاعر جدا از هر حرکت اجتماعی یکسره غرق ذهن است و در ذهن خویش ایران و ایرانیت را از هرچه بیکانه است پاک می‌کند. گرایش قوی ضدعرب در اخوان، و حتی "مزدشت" سازی همه مولفه‌های این شوونیسم ملی بی پایه است. اخوان حتی (اگر اشتباه نکنم در موخره "از این اوستا") خواهان بسط مرزهای ایران تا در بر گرفتن افغانستان و تاجیکستان شد، و دانسته یا ندانسته همان موضعی را داشت که حزب شبه فاشیست پان ایرانیست پزشکپور در همان وقت در ایران پرچمدارش بود. همانطور که جهان بینی اخوان با رژیم اسلامی متفاوت است، عظمت طلایی ایرانی او نیز با رژیم پهلوی منطبق نبود. اخوان در عین حال ضد مدرنیست بود، و سنتگرایی روستایی را با افتخار تبلیغ می‌کرد. نگرش او به طبیعت، و برجسته‌تر از آن به عشق، که از مایه‌های جاویدان شعر و تغزل در زبان فارسی هستند، هر دو این سنت گرایی پیشا- سرمایه‌داری را نشان می‌دهند. اخلاقیات اخوان در برخورد به زن در شعرهایش شدیداً ارتجاعی است، و شعرهای عاشقانه او نه تنها حامل هیچ کشف نو و روشن ساختن گوشه‌های ظریفی از نزدیکیترین رابطه دو انسان نیست، بلکه گاهی، حتی در قیاس با اخلاقیات حاکم، تا حد عقب افتاده ترین و زمخت ترین رفتار با زن (بطور نمونه: "هرجا دلم بخواد من دست می‌برم") سقوط می‌کند. مردسالارانه نامیدن این اشعار هنوز حق مطلب را ادا نمی‌کند.

هنر، حتی با بیان دلزدگی و نومیدی از وضع حاضر، می‌تواند توقع زندگی‌ای متعالی‌تر و انسان‌پسند را در مخاطب اثر هنری ایجاد کند. شعر اخوان ثالث، اما، شعر زندگی امروز و انسان امروز نیست، تا چه رسد به انسان‌های فردا. اخوان حال را به آینده نفروخت، به گذشته نفروخت.

اتحادیه کلامی نژادپرستانه بگوید اتحادیه اعلامیه می‌دهد، از او تبری می‌جوید، می‌خواهد که او معذرت بخواهد، حرفش را پس بگیرد و غیره. آیا هنرمندان همراه و همزبان اخوان ثالث نمی‌خواهند چیزی در این باره بگویند؟ این انجمنها و کانونهای هنرمندان و نویسندگان ایرانی در اروپا نمی‌خواهند فاصله خود را از این بیانات نژادپرستانه یک شاعر ایرانی اعلام کنند؟

آنها که با آثار و اشعار اخوان آشنایی دارند می‌دانند که ابراز این احساسات ضدعرب و نژاد پرستانه تصادفی نبوده است. رجوع کنید تا کتابش "از این اوستا" رجوع کنید تا ببینید که حتی همه اقوام غیر فارس ایران را مضحکه می‌کند. اما گویی هر عقیده ارتجاعی را به یک شرط می‌توان به یکنفر بخشید، به شرطی که طرف هنرمند و شاعر باشد! این باوری است که خصوصا این اولخر از جانب بسیاری از هنرمندان ایرانی رسماً تبلیغ می‌شود. خود اخوان سالها پیش چنین جواز را برای خودش صادر کرد. در مقدمه "آخر شاهنامه" می‌گوید: "حاضر محترم! من فقط یک دهاتی زمزمه‌کننده

هستم. نه یک روشنفکر و نه یک سوسیالیست." باشد، اما اگر روستایی ما، به صرف اینکه بلد است در قالبی زمزمه کند که از هزار سال پیش این مردم به آن خو گرفته‌اند، خواست برود بالای چهارپایه و عقاید زندگی قبیله‌ای را فریاد کند، آنوقت وظیفه یکی از همان روشنفکران سوسیالیست است که بگوید: ساکت شو. عمو جان! این حرفها که تو می‌زنی اگر از حلقوم فرماندار نظامی اسرائیل در ناصریه در آمده بود فردا همه روزنامه‌های دنیا مجبور بودند نفرشان را اعلام کنند.

پس از بازگشت از اروپا اخوان در گفتگو با مجله دنیای سخن (شماره ۳۳، مرداد و شهریور ۶۹) از



مهدی اخوان ثالث

صحبت از "قوم آریائی" در اروپای امروز بلافاصله یادآور هیتلر و فاجعه نازیسم است. گفتن ندارد که از نظر علمی و مردمشناسانه "نژاد آریا" و غیره خزعبل است. اما این یادآوری لازم است که از لحاظ سیاسی در ایران زمان رضا شاه مامورین نازی (و عاملین ایرانی آنها نظیر حزب سومکا) آتش آریائی نژاد بودن ایرانیها را افروختند و ایدئولوگهای رضاشاهی هم برای نزدیکی به آلمان هیتلری آنرا باد زدند. در هر خیابان لندن و پاریس همان ایرانیانی را که در جلسه اخوان حضور داشتند روزی صدبار بجای عرب می‌گیرند.

تا چه رسد به انسانهای فردا. اخوان حال را به آینده نفروخت، به گذشته نفروخت. اینک این دید کهنه پرست چه بازتابی در سبک و زبان شعر اخوان دارد محتاج ورود به عرصه جامعه شناسی هنر و نقد ادبی است. من از این بحث می‌خواستم همینقدر نتیجه بگیرم که بنظر من قرار گرفتن اخوان در کنار جمهوری اسلامی تصادفی نبود و به سبب فصل مشترک کهنه پرستی جهان نگر هردوست. کافی بود تا کسی فقط اندکی نسبت به وضعیت زنان در جامعه حساس باشد، تا شرم کند از اینکه خامنه‌ای آدمی ز صاحب "فضل و شرف" بشمارد.

خلاصه کنم. خطای اصلی اخوان ثالث مداحی او از رژیم اسلامی در آخر عمر یا تلاش او برای واسطگی نیست، اشکال بزرگتر او در همان جهان بینی است که بر آثارش حاکم است. حفاظت از ارزشهای این جهان بینی عقب افتاده موجبی برای توجیه سازش با رژیم جمهوری اسلامی نیست، بلکه برعکس، به نظر من دقیقاً جهان بینی ارتجاعی اخوان است که قرار گرفتن او را در دامن خونین رژیم اسلامی ممکن کرد.

ممكن کرد.

کارگزار امروز

موجی از اعتصابات کارگری در کانادا

اعتصاب کارگران فلزکار

اعتصاب ۱۷ هزار عضو اتحادیه کارگران فلز بیش از نیمی از صنایع فلز این کشور را فلج کرده است. ۳۵۰۰ کارگر فلز در کمپانی "پلستر دم"، از ۷ مه و ۱۱۰۰ کارگر در "برونویک" از ۲۰ ژوئن اعتصابشان را آغاز کرده‌اند. ۵۴۰۰ کارگر فلزکار در کمپانی "الگوما استیل" و همچنین ۱۰ هزار کارگر "استلکو" از اول ماه اوت تاکنون در اعتصاب هستند. در کنار این اعتصابات در برخی از کارخانجات نیز صدها تن از کارگران فلز دست از کار کشیده‌اند. پیکت کارگران اعتصابی در جلوی کارخانه‌ها دائما برقرار است و کارگران تظاهراتی متعددی را بر علیه کمپانی سازمان داده‌اند.

اعتصاب کارگران اتوموبیل سازی

قراردادهای دسته جمعی کارگران اتوموبیل سازی در کمپانیهای جنرال موتورز، فورد و کرایسلر در ۱۵ سپتامبر خاتمه می‌یابد و مذاکرات بر سر قرارداد جدید از ماه ژوئیه آغاز شده است. اتحادیه کارگران اتوموبیل سازی کانادا بمنظور پیشبرد مطالباتش اعلام کرده بود که در یکی از این سه کمپانی اعتصاب را آغاز خواهد کرد و هرگونه توافق و قراردادی را که در طی اعتصاب در کمپانی مذکور کسب کند در دو کمپانی دیگر نیز به اجرا در خواهد آورد. اتحادیه کارگران

اتوموبیل سازی کانادا سرانجام کمپانی فورد را بعنوان هدف اعتصاب تعیین کرد. و بدینترتیب در ۱۴ ماه سپتامبر، ۱۲۸۰۰ کارگر این کمپانی وارد اعتصاب شدند. اعتصاب پس از ۸ روز با توافق ۸۵ درصد کارگران به پذیرش قرارداد سه ساله پیشنهادی کمپانی به پایان رسید. اتحادیه اعلام کرد که این قرارداد باید برای کارگران جنرال موتورز و کرایسلر نیز مورد مذاکره قرار گیرد.

تهدید به اعتصاب کارگران پست

اتحادیه کارگران پست کانادا که ۴۵ هزار عضو دارد اعلام کرده است که در صورتیکه مذاکراتش برای قرارداد دسته جمعی جدید به نتیجه نرسد رای گیری در مورد اعتصاب را در میان اعضایش آغاز خواهد کرد. کارگران پست کانادا از ۲۱ ژوئیه سال ۱۹۸۹ بدون قرارداد هستند. روز ۲۱ اوت، رئیس اتحادیه کارگران پست کانادا، "ژان کلود پروت" از وزیر کار این کشور خواست تا به ۴۵ هزار عضو اتحادیه پست اجازه اعتصاب قانونی بدهد. مذاکرات بر سر قرارداد جدید کارگران ۱۳ ماه است که بدون نتیجه مانده است. به گزارش نشریه "تورنتو استار" چاپ کانادا، پست کانادا تصمیم دارد که در طی برنامه‌ای محل کار صدها کارگر را تغییر دهد و در بعضی از موارد حتی مشاغل آنها را عوض کند و یکی از تلاشهای اتحادیه پست توقف این برنامه است. رای گیری عمومی به گزارش مذکور، رای گیری عمومی



باب وایت دبیر اتحادیه کارگران اتوموبیل سازی کانادا
قرارداد دستجمعی ۱۱۰۰۰ کارگر فروشگاههای زنجیره‌ای

به گزارش نشریه تورنتو استار چاپ کانادا، ۱۱ هزار کارگر فروشگاه زنجیره‌ای خواروبار "۱.ا.اند.پی" نیم ساعت قبل از آغاز اعتصاب به قرارداد کار جدیدی دست یافتند. کارگران خواهان افزایش دستمزد و امنیت شغلی بودند. به گفته اتحادیه بنا به قرارداد جدید، به دستمزد کارگران نیم وقت یک دلار در ساعت در سال اول و ۸۰ سنت در ساعت از سال دوم افزوده خواهد شد. حقوق باز نشستی کارگران تمام وقت بطور متوسط ۱۲ درصد و کارگران نیم وقت ۲۴ درصد اضافه می‌شود. کار در یکشنبه‌ها داوطلبانه خواهد بود و دستمزد دو برابر پرداخت خواهد شد.

گزارشی از اداره مشاوره حقوقی شهروندان پیرامون شرایط کار در بریتانیا



ساله یک کارخانه بدلیل قبول نکردن پیشنهاد مدیریت مبنی بر اینکه ساعت کارش بین ۳ نیمه شب تا ۶ عصر باشد اخراج شد و در "لانکاشایر" یک کارفرما حقوق شاغلین خود را کاهش داده است. این گزارش نتیجه گرفته است که قوانین بازار کار در بریتانیا باید رفرمیزه شود. بعنوان مثال برخلاف بعضی از کشورهای اروپایی از جمله سوئد، هیچگونه قانون بازار کاری در بریتانیا وجود ندارد. حق اختلاف، حق مذاکره، حق دخالت در امور کارخانه و غیره بصورت قوانین تدوین شده وجود ندارد بلکه این موارد بیشتر بر اساس عرف و عادت است. بعنوان اولین قدم در راه تنظیم قوانین بازار کار، اداره مشاوره حقوقی شهروندان خواسته است که حق برخورداری از قرارداد که شامل دستمزدها و شرایط استخدامی است، ۱۳ هفته پس از استخدام تنظیم شود و دو هفته تعطیلی در سال برای تمامی شاغلین تضمین شود. این اداره در حال حاضر فقط بر حداقل دستمزد ۲٫۵ میلیون نفر از مجموع ۲۸ میلیون حقوق بگیر بریتانیا نظارت دارد. □

تلفیص از نشریه:
"دکتز نی هتر" چاپ سوئد

در حمایت از کمیته همبستگی با کارگران اپل آلمان

ما هیچ نکته مضر به حال اتحادیه در این نمی‌بینیم که کارکنان امکان این را داشته باشند در جریان انتخابات شورای کارخانه از میان این مواضع مختلف به تصمیم گیری و انتخاب بپردازند. برعکس جریان بازرسی عضویت و تلاش برای بیرون گذاشتن مواضع معینی از اتحادیه قطعی کردن هر چه بیشتری را به دنبال خواهد داشت. این امر به هر جهت نمی‌تواند در خدمت یک فرهنگ مباحثاتی پرثمر درون اتحادیه‌ای قرار گیرد. با تصمیم مدیریت اتحادیه در منطقه مبنی بر ممنوعیت فعالیت و استفاده از حقوق و وظایف اعضا آهم در روز قبل از تشکیل اجلاس انتخاباتی نمایندگان در شهر بوخوم (که انتخاب یک مدیریت محلی جدید نیز جزو وظایف این اجلاس بود)، اوضاع حدت بیشتری می‌یابد. به این وسیله یک پنجم نمایندگان شرکت کننده در اجلاس نمایندگان (بالا ترین ارکان اتحادیه در سطح محلی) از اجلاس کنار گذاشته و به این ترتیب ترکیب مدیریت جدید نیز بطور مستقیم از این تصمیم گیری تاثیر پذیرفت. اقدامی که ابتدائی ترین قواعد دموکراسی را به ریشخند می‌گیرد. ما می‌خواهیم قاطعانه در این راه تلاش کنیم که کلیه بازرسی عضویتها فوراً متوقف گردند و آن عده از همکاران اپل که قبلا از اتحادیه اخراج شده‌اند بتوانند مجدداً به عضویت اتحادیه درآیند. آخرین کنگره اتحادیه فلز تصویب کرد که: "تقویت پایه منشکل از اعضا و توان اتحادیه در پیشبرد اهدافش مستلزم عنایت، شفافیت و آمادگی برای بحث در درون و بیرون تشکیلات و به همان اندازه مستلزم انضباط در پیشبرد مصوبات ماست." چنانچه مشی بیرون گذاشتن در اپل کماکان ادامه یابد، داعیه عنایت و آمادگی برای بحث به عبارت پردازش توخالی تبدیل می‌گردد و انضباط مورد مطالبه در واقعیت به اطاعت بی چون و چرا منجر می‌گردد. □

اخیرا اداره مشاوره حقوقی شهروندان در بریتانیا گزارشی منتشر کرده است که نشان می‌دهد شرایط کار و سطح دستمزد هزاران کارگر در بریتانیا رو به کاهش است و یک هراس دائمی کارگران اینست که در صورتیکه از وضعیتشان شکایت کنند در معرض اخراج قرار می‌گیرند. در این گزارش آمده است که بیشترین تعداد کارگرانیکه برای شکایت به این اداره رجوع می‌کنند زنانی هستند که با دستمزدهای نازلی به کار مشغولند و در هیچ سازمان اتحادیه‌ای عضو نیستند. تعداد زیادی از آنها بصورت نیمه وقت در بخش سرویس صنایع یا خدمات خانگی اشتغال دارند. موارد شکایات کارگران که به این اداره رسیده است عبارتند از: شکایت از کارفرمایی که مزایای اجتماعی آنها را پرداخت نمی‌کند، شرکتی که عمداً فرصت استفاده از استراحت موقع غذا را کم کرده‌اند، کارخانجاتی که توافقات بر روی حداقل دستمزد را زیر پا می‌گذارند، محیط کار کارگران کثیف است و کارفرماها در بعضی از موارد از بستن قرارداد استخدامی با کارگران خودداری می‌کنند. در این گزارش مثالهایی مبنی بر اخراج و کاهش دستمزد کارگران وجود دارد، در "کونوال" یک کارگر ۱۷

اعتصاب مجدد کارگران نفت دریای شمال



رانی مک دونالد دبیر کمیته هماهنگی با کارگران سکهای نفتی

مرکز خبری کارگزار امروز؛ روز ۱۲ سپتامبر کارگران نفت دریای شمال برای ششمین بار دست به اعتصاب زدند. مطالبه کارگران برسمیت شناسی اتحادیه کارگران در سکهای شناور نفت دریای شمال، ایمنی محیط کار و همچنین بازگشت به کار کارگرنی است که در طی این اعتصابات اخراج شده‌اند. این اعتصاب همچون اعتصابات قبلی به فراخوان کمیته کارگران نفت در سکهای شناور صورت گرفت. به گفته مرکز اطلاعات کمیته کارگران، در این اعتصاب یکی از کارگران اعتصابی در پلاتفرم "ترن" اخراج شد. کارگر اعتصابی از آن زمان تاکنون در پلاتفرم باقی مانده و تحصن کرده است. □

دومینیکن کشتار کارگران اعتصابی

مرکز خبری کارگزار امروز؛ در اواخر ماه اوت، کارگران دومینیکن در اعتراض به سیاست ریاضت کشی اقتصادی دولت در سراسر کشور به مدت دو روز اعتصاب کردند. با اعتصاب کارگران دولت ارتش را به سراغ اعتصابیون فرستاد و فرمان کشتار آنها را صادر کرد. به گزارش نشریه "ورکرز ادوکیٹ" چاپ آمریکا، در طی روزهای اعتصاب

سرطان بیماری ناشی از کار

نشان داده است که عمر کارکنان شرکت بورینگر از عمر سایر مردم کوتاهتر است. کارشناسان علت این امر را وجود میزان بالای "دیوکسین" در محیط تولید مواد شیمیایی و سایر موادی که انگلهای گیاهی را از بین می‌برد تشخیص داده‌اند. بسیاری از موادی که کارگران سابقاً با آنها سروکار داشته‌اند اکنون بعنوان مواد سمی شناخته شده‌اند و استفاده از آنها ممنوع شده است. در سال ۱۹۸۹، دادگاه هامبورگ بیماری سرطان را در بین کارگران این شرکت، بیماری‌ای ناشی از کار ارزیابی کرد. □

مرکز خبری کارگر امروز؛ کارگران شرکت تولید مواد شیمیایی بورینگر در شمال آلمان در معرض بیماری سرطان قرار دارند. بنا به آمار یک موسسه تحقیقاتی، از هر سه مورد مرگ کارگرانی که در این شرکت کار کرده‌اند یک نفر در اثر بیماری سرطان درگذشته است. یعنی از ۱۵۲۰ نفر کارکنان سابق این شرکت ۳۵۰ نفر فوت کرده‌اند که از این تعداد ۱۱۲ نفر مبتلا به سرطان بوده‌اند. به گزارش "فرانکفورتر روندشاو"، چاپ آلمان تحقیقات در این مورد

اختلاف بر سر تجدید سازمان ال. او سوئد

مرکز خبری کارگزار امروز؛ تصمیم اتحادیه سراسری کارگران سوئد (ال. او) برای تجدید ساختار سازمان خود مبنی ادغام چندین اتحادیه با هم و کاهش آنها از ۲۳ اتحادیه فعلی به ۱۳ اتحادیه به مباحثی در درون "ال. او" دامن زده است. به گزارش روزنامه سوئدی "دکتز نی هتر"، علت این تصمیم "ال. او" اختلاف بین اتحادیه‌هاست که در حال حاضر برای حل و فصل آن مبنی بر اینکه کدام اتحادیه حق سازمان دادن چه کسی را دارد وقت زیادی صرف می‌شود. بنا به این گزارش، بزرگترین مورد اختلاف در طی دوره اخیر، اختلاف سال ۱۹۸۷ بین اتحادیه کمونیا و اتحادیه ترانسپورت در مورد باراندازان بود. اتحادیه ترانسپورت در مورد حق قرارداد در بنادر اصرار ورزید و در نتیجه به ضرر اتحادیه کمون تمام شد. این گزارش حاکیست، در مقابل این طرح "ال. او"، اعضای اتحادیه از تمرکز قدرت نگران هستند. "هالبرگ"، لوکوموتیورانی که ۲۵ سال سابقه فعالیت اتحادیه‌ای دارد و از سال ۱۹۲۹ در استخدام راه آهن دولتی بوده است، گفت: "این طرح را ما نخواستیم. این نقشه‌ای است که از بالای سر ما اعضا آورده شده است. این مسئله باید به رای گیری عمومی اعضا اتحادیه گذاشته شود." رئیس اتحادیه چاپ نیز در مخالفت با این طرح ابراز داشت: این تمرکز است که در آن نقش اعضا و شاخه‌های اتحادیه در آن کمتر و کمتر می‌شود. از سوی دیگر سخنگوی اتحادیه کارفرمایان چاپ نیز گفت: در صورت پیدایش تمرکز سازمانی در اتحادیه کارگری سوئد، اتحادیه کارفرمایان نیز برای حل مشکلات مربوط به مذاکرات و قراردادهای باید تمرکز یابد. □

اخبار کوتاه

رومانی

اعتصاب کارگران بنادر

روز ۹ سپتامبر، ۳ هزار نفر از کارگران رومانی در اعتراض به دولت که نتوانسته است مشکلات مبرم اقتصادی این کشور را حل کند در "براسف" دست به تظاهرات و اعتراض زدند. روز ۱۷ سپتامبر نیز ۲۳ هزار کارگر در مهمترین بندر رومانی "کونستانا" واقع در دریای سیاه در اعتراض به اینکه دولت رفرفهای اقتصادی را به کندی پیش می برد دست از کار کشیدند. دولت برای جلوگیری از اختلال کار در این بندر بلافاصله هیاتی را برای مذاکره با اتحادیههای کارگری به محل فرستاد.

لهستان

بیکاری وسیع کارگران

به گزارش "داگنز نی هتر"، در ماه اوت میزان بیکاری در لهستان تا ۹٫۷ درصد افزایش یافت و تعداد متقاضیان کار از ۷۰۰ هزار نفر به ۷۶۷ هزار نفر رسید. همچنین بر اساس گزارش اداره برنامه ریزی مرکزی لهستان، ۹۰۰ هزار نفر دیگر بزودی در معرض اخراج قرار خواهند گرفت. پیش بینی می شود که تا آغاز سال میلادی آتی تعداد بیکاران به یک میلیون و سیصد هزار نفر خواهد رسید، تولید صنعتی ۲۰ درصد و سطح دستمزدهای واقعی کارگران نیز ۲۸ درصد کاهش خواهد یافت.

آلمان شرقی، اخراج ۴۰۰۰ کارگر کارخانه زایس

به گزارش روزنامه سوئدی "داگنز نی هتر"، کارخانه "زایس" در شهر "ینا" که تولید کننده اجزاء دستگاههای عکاسی، عدسی و همچنین شیشه عینک است از ماه ژوئن سال جاری به یک شرکت سهامی تبدیل شده است و از آن زمان تاکنون ۴ هزار کارگر از کل ۱۲ هزار کارگر شاغل در این کارخانه را اخراج کرده است.

برزیل

اعتصاب کارگران نفت

هفتصد هزار تن از کارگران نفت و کارکنان موسسات بانکی برزیل از نیمه شب ۱۳ سپتامبر دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. مطالبه کارگران اعتصابی افزایش دستمزد برای مقابله با تورم سرسام آور در این کشور است.

آفریقای جنوبی

کشته شدن ۱۹ معدنچی

روز ۱۲ سپتامبر، در اثر انفجاری که در عمق ۲ هزار متری در معدن طلای "وآل ریفز" در آفریقای جنوبی روی داد ۱۹ معدنچی کشته و ۲۲ نفر زخمی شدند.

هلند

۴۰۰۰ کارگر فیلیپس در معرض اخراج

کنسرن الکترونیک فیلیپس قصد دارد ۴ هزار شغل را در هلند از بین ببرد. این اخراج ها متعاقب بازسازی این کنسرن صورت می گیرد.

چین

بیکاری ۹۲ میلیون نفر

به گزارش رویتر از چین، در طی پنج سال آینده ۹۲ میلیون نفر به تعداد بیکاران این کشور افزوده خواهد شد. هم اکنون جمعیت این کشور بیش از یک میلیارد و دو صد و پنجاه میلیون نفر است و نرخ بیکاری به بالاترین حد خود در دهه اخیر رسیده است.

ایر جینیای آمریکا

مرکز خبری کارگزار امروز: بیش از ۸ ماه است که ۳۰۰ کارگر شاغل در کمپانی "آسپلوند" واقع در ایرجینیای آمریکا در مقابله با سیاستهای مدیریت کمپانی برای پایین آوردن شرایط کار در اعتصاب بسر می برند. در طی اعتصاب صفوف پیکت این کارگران توسط معدنیان ذغال سنگ و دیگر بخشهای کارگران در این منطقه تقویت شده است.

مركز خبری کارگزار امروز:

اواسط سپتامبر، اعتصاب دو هفتهای ۴۴ هزار کارگر شرکت تلفن بوئنس آیرس با مطالبه ۳۵ درصد افزایش دستمزد و اعتراض به سیاست دولت در خصوصی کردن شرکتهای دولتی و از جمله شرکت تلفن به پایان رسید. دولت حاضر به مذاکره با اعتصابیون نشد و با اخراج ۲۲۵ کارگر و تهدید بقیه کارگران به اخراج به اعتصاب

هشتمین ماه اعتصاب کارگران اسپلوند

به گزارش نشریه "ورکرز ادوکیته" چاپ آمریکا، مدیریت این کمپانی درست قبل از اعتصاب کارگران تعدادی کارگر اعتصاب شکن را به استخدام در آورد و با شروع اعتصاب حملات وحشیانه ای را به کارگران اعتصابی آغاز کرد. اعتصاب شکنان چند تن از کارگران اعتصابی را که مشغول پیکت بودند با کامیون کمپانی زیر گرفتند. و چند روز بعد ۳ تن از پشتیبانان شناخته شده اعتصاب زمانیکه از رستوران خارج می شدند مورد حمله یک کامیون کمپانی و افراد مسلح قرار گرفتند که یکی از آنها به قتل رسید و دو نفر دیگر به ضرب گلوله شدت مجروح شدند. بنا به این گزارش، سه تن از قاتلان کارگران که دو نفر از آنها مشخصا در استخدام کمپانی بودند دستگیر شدند اما یکی از آنها موفق به فرار شد. کارگران اعتصابی با ادامه اعتصاب و پیکت خواهان مجازات عاملین این جنایات هستند.

اخراج کارگران اعتصابی در آرژانتین

خاتمه داد. به گزارش نشریه "داگنز نی هتر" چاپ سوئد، اعتصاب کارگران در آرژانتین همچنین اعلام کرد که در آینده لایحه ای را در مورد حق اعتصاب به تصویب خواهد رساند که بر مبنی آن اعتصاباتی که کار بخشهای مهم جامعه از قبیل ارتباطات و بیمارستانها را مختل کند غیرقانونی محسوب خواهند شد.

دادگاه کار نیوزلند علیه کارگران اعتصابی

مرکز خبری کارگزار امروز: دادگاه کار نیوزلند به کارگران بنادر که بدنبال اختلافات اتحادیه کارگران و اتحادیه کارفرماها حول چگونگی انعقاد قرارداد دسته جمعی بر سر دستمزد بمدت دو روز کار بنادر این کشور را مختل کرده بود، دستور داد که به سر کار باز گردند. به گزارش تایمز مالی اتحادیه کارگران بنادر خواهان مذاکره سراسری بر سر دستمزدها و شرایط کار است در حالیکه اتحادیه کارفرماها خواهان عقد قرارداد در سطح محلی است. بنا به این گزارش، بلافاصله پس از اعلام تصمیم دادگاه کار، اتحادیه کارگران بنادر اعلام کرد که بزودی اعتصاب دیگری را برای تحقق مطالبات کارگران در قبال میزان دستمزدهای سراسری و شرایط بهتر کار فرا خواهد خواند. مطابق قوانین کار نیوزلند، اتحادیه موظف است حداقل ۱۴ روز قبل از اعتصاب کارفرما را از تصمیم خود مطلع کند.

بحران خاور میانه و حمله دولت فرانسه به سطح معیشت کارگران

هم بتوان رونق بنگاهها و بهره‌بری صاحبان آنها را تضمین کرد و هم حقوق بگیری را که می خواهند سهمی از این رونق که محصول کار خود آنها است ببرند، سر جای خود نشاند و به تحمل ریاضت اقتصادی مجبور کرد. از هم اکنون پیش بینیها و اقدامات مربوط به معافیتها و کاهشهای مالیاتی بنگاهها که به مبلغ حدود ۳ میلیارد فرانک سر می زند در دستور گذاشته شده است. در گرماگرم میاهو بر سر "دوران نوین اجتماعی" و مبارزه با نابرابری رئیس جمهور اعلام کرده بود که مالیات بر بهره کسانی که "با خوابیدن ثروتمند میشوند" یعنی بورس بازان، اضافه می شود، اما امروز به بهانه اینکه بورس مجروح از وقایع خلیج فارس بیشتر از این نمی تواند ضربه ببیند، این پروژه هم به پایکالی سپرده می شود و در عوض شاهد تأیید و تصویب پروژهای خواهیم بود که با مقاومت جدی از پائین مواجه بوده‌اند. مثل طرح تغییر سیستم فعلی بیمه‌های اجتماعی بضرر کارکنان. و کارفرماها و صاحبان بنگاهها که تنها در یکساله اخیر ۱۸ میلیارد فرانک از بابت معافیت از پرداخت سهام اشتراک بیمه‌های اجتماعی کارکنانشان به جیب زده‌اند دوباره شکمهای خود را صابون می مالند.



در اجلاس ویژه پارلمان بمناسبت بحران خلیج فارس در روز ۲۷ اوت نخست وزیر اعلام کرد که "در صورت لزوم برای مقابله با عواقب بحران هیچ تردیدی در دستور گذاشتن اقدامات سخت نخواهیم داشت ... ما هرگز نخواهیم گذاشت که بار سنگین شدن صورتسایهای نفتی بر دوش بنگاهها

تا حدود سه هفته بعد از شروع بحران خلیج فارس که قیمت نفت به حد "انفجار" نرسیده و بنظر هم نمی رسد که به این حد برسد، دولت و دست اندرکاران اقتصاد فرانسه بنظر آسوده خاطر می رسیدند و دورنمای بحران که هیچ، حتی تخفیف رونق اقتصادی را هم نداشتند. تنها از طرف صاحبان میمپای بنزین ولولهای بپا شد، اما روز ۲۱ اوت این فضای اطمینان در هم شکسته شد. سندیکای کارفرمایان فرانسه اعلام کرد که "امروز وقت آن رسیده است که سیاست اضطرار را در مورد هزینههای دولتی و حقوقها در پیش بگیریم ... بنگاهها نباید تاوان وضعیتی را که پیش خواهد آمد، بدهند ... معنای این پیام را همه بخوبی درک کردند: انجام فوری افزایشی که قرار بود به حقوقهای پلگین تعلق بگیرد، افزایشی که قول آنرا دولت و همین سندیکای کارفرمایان روز ۲۶ ژوئن از سر "رفوخت" به میلیونها مزدبگیر و حقوق بگیر داده بودند. همچنین بالا رفتن قیمتها، افزایش بیکاری، برهم زدن هر چه بیشتر ثبات شغلی با گسترش کار موقت، تخریب سیستم بیمه‌های اجتماعی و خلاصه به گروگان گرفتن هستی حقوق بگیران و بویژه کارگران. دولت که تا چند هفته پیش مشغول گریه و زاری برای حقوق بگیران کم درآمد بود و اندر فواید برابری و عدالت اجتماعی سخن سرایی می کرد، به پیام کارفرمایان لبیک گفت.

تلخیص شده از: هفته نامه فرانسوی "وقایع پنجشنبهها"

اعتصاب کارگران شیرپاستوریزه آنکارا در ترکیه

مرکز خبری کارگزار امروز: روز ۱۰ اوت، ۱۶۸۰ نفر از کارگران کارخانه شیر پاستوریزه در آنکارا برای افزایش دستمزد دست از کار کشیدند. مطالبه کارگران افزایش ۵۱۶ هزار لیر برای ۶ ماه اول و ۵۰۶ هزار لیر برای ۶ ماه دوم سال به پایه دستمزدشان بود. کارگران اعتصابی عمدتاً اعضای سندیکای کارباب و سندیکای کار بودند. نمایندگان کارگران قبلاً در مذاکرات اعلام کرده بودند که در صورتیکه با مطالباتشان موافقت نشود دست به اعتصاب خواهند زد. نماینده سندیکا در مورد اعتصاب گفت: "بدون دخالت ما و از طرف دولت می خواهند برای ما قرارداد ببندند، ما این را قبول نمی کنیم. علت اعتصاب ما این بود که حق مان را بگیریم و به دولت بفهمانیم که باید عدالت را رعایت کند."

اعتصاب رفتگران پاریس

مرکز خبری کارگزار امروز: با اعتصاب رانندگان کامیونهای جمع آوری زباله در پاریس دولت ناچار شده است که در کمتر از دو روز بیش از ۱۰ میلیون فرانک برای استخدام کارگران پیمانی خصوصی بپردازد. اما هنوز شهر پاریس مملو از زباله و آشغال است. به گزارش تایمز مالی، اعتصاب به فرافخوان اتحادیه کارگری "ت.ژ.ت" و برای افزایش دستمزد صورت گرفت. هم اکنون بیش از ۹۰ درصد از ۶۰۰ راننده کامیون حمل زباله پاریس به اعتصاب پیوسته‌اند. اعتصاب از ۱۷ سپتامبر آغاز شد و از آن زمان تاکنون زباله‌ها در پیاده روهای خیابانهای پاریس باقی مانده‌اند. "ژاک شیراک" شهردار پاریس اعلام کرد که این اعتصاب غیرقانونی است و هیچگونه تغییری در میزان دستمزد کارگران بوجود نخواهد آمد. با این حال این اعتصاب و همچنین مذاکرات ادامه دارد.

اعتراض صدها هزار کارگر یونان به طرح بازنشستگی دولت

مرکز خبری کارگزار امروز: روز ۱۴ سپتامبر، صدها هزار کارگر یونانی در اعتراض به طرح جدید دولت در مورد حقوق بازنشستگی دست به اعتصاب ۲۴ ساعته زدند. کارگران برای به تعویق انداختن تصویب لایحه بازنشستگی دولت، مجدداً روز ۱۹ سپتامبر و اینبار بمدت ۴۸ ساعت دست از کار کشیدند. به گزارش "تایمز مالی"، اعتصاب اول، که به فرافخوان دو فدراسیون اتحادیه‌های کارگری یونان صورت گرفت اختلافات جدی‌ای در کشور بوجود آورد. بدلیل توقف کار وسائل نقلیه عمومی و تظاهرات اعتصابیون در جلوی وزارت اقتصاد ترافیک شهر آتن فلج شد. در این روز پروازهای شرکت هوایی دولتی یونان لغو شد و شرکت برق در مورد خاموشیهای احتمالی هشدار داد. به گفته کنفدراسیون کارگران یونان "این اعتصاب ۹۰ درصد موفق بود". اعتصاب ۴۸ ساعته کارگران یونان که به فرافخوان

ادامه از صفحه ۱

● کارگر امروز: وضعیت جنبش کارگری در بولیوی بعد از شکستهای سال ۱۹۸۵ چگونه است؟

● دومیتلا باریوس دوچونگارا: وضع کارگران بسیار وخیم است زیرا دولت به هیچ وجه کار در اختیار آنها قرار نداده است. بطور مداوم وعده و وعید می شنود اما یا کاری پیدا نمی کنند و یا اگر هم پیدا می کنند کار موقت است. کارگران هر روز در جستجوی کار هستند. دولت هم همیشه شانه خالی می کند و مطبوعات و کارگران را فریب می دهد. کارگران بیکار در کمیتهای بیکاران خودشان را سازماندهی کرده اند و این کمیتهای هم به سازمان سرتاسری اتحادیههای کارگری پیوسته اند. به همین خاطر در آخرین مبارزه و اعتصابی که مرکز اتحادیه کارگران بولیوی فراخوان آن را داده بود مطالبه بیکاران مبنی بر بازگشت کارگران به کارشان نیز موضوع این مبارزه بود. در منطقه "پورتوزی" یک تظاهرات صورت گرفت و این تظاهرات علیه تصمیمی بود که دولت در واگذاری برخی شرکتهای معدنی به بخش خصوصی آمریکایی گرفته بود و قرارداد آن هم امضاء شده بود. بسیج و تحرک در شرکتی آمریکایی شد.

● ک.ا: یعنی اینکه جنبش کارگری که چنان شکست سختی را متحمل شده بود توانسته مجدداً موفقیتی بدست آورد؟

● د.ب: بله، بله. براساس خیرهایی که البته تاکنون تأیید نشده است دولت از تصمیم خودش مبنی بر خصوصی کردن مجتمع "کومیکول" صرفنظر کرده است. این مجتمع معدنی است. کارگران "سیکلونته" به سمت شهر پورتوزی راه افتادند تا با تظاهرات به واگذاری شرکت اعتراض

دومیتلا: من خواهان تماس با کارگران ایران هستم

اینها در سال ۱۹۸۰ در یک نیروی شبه نظامی متشکل شدند که اینها هم کارگران معمولی هستند. اما از آنجائیکه در درون اتحادیه طیف وسیعی از احزاب وجود دارد کارگران به سختی می توانند آنچنان مبارزه مشترکی را به پیش ببرند که قدرت را به دست بگیرند و یک تغییر بنیادی را در جامعه انجام دهند. در برنامه اتحادیه قید شده است که باید

چیزی که من بیش از همه می خواهم تماس مستقیم با کارگران ایران است. مثلاً ما با کمال میل آمئوچ که یک فرستنده رادیویی کارگری داشتیم تماسهای مستقیم و اطلاعات از کارگران ایران می خواستیم زیرا ما بسیار کم در مورد آنها می دانیم. اما من فکر می کنم هنوز هم خیلی دیر نیست و می توانید از طریق اتحادیه کارگران معدن با ما تماس بگیرید یا از طریق رهبری بیکاران و از طریق اتحادیه مرکزی. من فکر می کنم که امکان تماس مستقیم وجود دارد که به این وسیله کارهای مشترک هماهنگ بشود و انجام بگیرد و کنگرههای مشترک سازمان داده بشود برای همبستگی.

مبارزه مردم را به پیش برد و یک دگرگونی اجتماعی بوجود آورد که به ایجاد جامعه سوسیالیستی بیانجامد. این جزء اصول سیاسی اتحادیه است. اما ما در عین حال تحت رهبری کسانی بوده ایم که خود را کمونیست معرفی می کردند ولی همیشه به این خدمت می کردند که مبارزات مردم را منحرف کنند و هیچگاه آن چیزی را که در کنگره اتحادیه تصویب شده بود را اجرا نکردند.

این ثابت شده است که فقط بوسیله انتخابات نمی شود قدرت را در دست گرفت. علیرغم این مساله این

وجود دارد می شود به بیکاران هم کار داد. اما این کارفرماها از این خوششان نمی آید. فکر می کنم این درست است که کارگران مبارزه می کنند و نه فقط باید برای این چیزها مبارزه کرد بلکه باید علیه جایگزینی انسان به وسیله ماشین هم مبارزه کرد. پیشرفتهای علم را باید پذیرفت اما نه به این معنا که آنها جایگزین بشر شوند بلکه به این منظور که به انسان خدمت کنند.

در مورد جنبش کارگری آمریکا من اطلاعی ندارم و اصلاً از آنها صحبت نمی شود. اینرا میدانم که برای ما از آمریکا آدم آورده اند که سیستم اتحادیه آزاد را به ما یاد بدهند. در آمریکا باید به این توجه کرد که کارگران سازماندهی شده در اتحادیهها به کدام بخش تعلق دارند. چونکه در آمریکا تظاهرات مختلف کارگری وجود دارد.

● ک.ا: نقش همبستگی بین المللی کارگران برای کارگران بولیوی چه می تواند باشد و بطور مشخص ما کارگران ایران چه می توانیم برای شما بکنیم؟

● د.ب: چیزی که من بیش از همه چیز می خواهم تماس مستقیم با کارگران ایران است. مثلاً ما با کمال میل آمئوچ که یک فرستنده رادیویی کارگری داشتیم تماسهای مستقیم و اطلاعات از کارگران ایران می خواستیم زیرا ما بسیار کم در مورد آنها میدانیم. اما من فکر می کنم هنوز هم خیلی دیر نیست و می توانید از طریق اتحادیه کارگران معدن با ما تماس بگیرید یا از طریق رهبری بیکاران و از طریق اتحادیه مرکزی. من فکر می کنم که امکان تماس مستقیم وجود دارد که به این وسیله کارهای مشترک هماهنگ بشود و انجام بگیرد و کنگرههای مشترک سازمان داده بشود برای همبستگی.

دومیتلا باریوس دوچونگارا: شکایت از دموکراسی

عقب ماندگی و فقر را توجیه کنند. این درست است که اکثریت بولیویاییها بی سوادند اما این گناه ما نیست. گناه دولتهاست. این دولتها هستند که قسمت اعظم ثروت ما را به خارج و به اقلشار ثروتمند می دهند و ناچیزترین بخش آن صرف تعلیم و تربیت ما می شود. این درست است که اکثریت ما سرخ پوست و بی سواد هستند. اما همین سرخپوستها هستند که در تمام کارخانهها و مزارع کار می کنند و تمام ثروتهای ثروتمندان را تولید می کنند.

این هم درست است که ما زنان بولیوی از وسایل پیشگیری استفاده نمی کنیم. زیرا بخش عظیمی از داروهای که وارد بولیوی می شود مصرف آن در خود کشورهای صادر کننده بعثت تولید خطر برای سلامتی ممنوع است. اکثریت زنان در کشور ما حداقل ۵ کودک دارند و اگر قرار

ده سال قبل من برای اولین بار اینجا (آلمان) بودم. در آن زمان آدمم تا از دیکتاتوری نظامی حاکم بر بولیوی شکایت کنم و بگویم که مردم ما یک دولت دمکراتیک می خواهند. ما اکنون ما یک دولت دمکراتیک داریم و امروز من بعد از ده سال دوباره اینجا هستم تا شکایت کنم که ما یک دموکراسی داریم. دموکراسی ای که با گرسنگی توأم است. در کشورهای ما، کشورهای به اصطلاح جهان سوم، همیشه ثروتمندان با دو دست حکومت می کنند. وقتی آنها نتوانند مردم را سرکوب کنند و اعتراضشان را خاموش سازند، از ارتش استفاده می کنند. بعد هم به علت مبارزه مردم و فشار بین المللی تغییر رویه می دهند و دولت دمکراتیک انتخاب می کنند. بولیوی از نظر مواد معدنی کشوری غنی است و طلا، روی و قلع صادر



آفتیش سخنرانی دومیتلا در آلمان

ما نمی خواستند قدرت به دست این ائتلاف بیفتد و به همین علت سه کودتای مختلف اتفاق افتاد. من می خواهم با یک مثال این را برایتان روشن کنم. در یک منطقه معدنی به اسم "پاکاراکولیس" ۲ هزار کارگر زندگی می کردند که نمی خواستند دیکتاتوری نظامی را به پیش از این تحمل کنند و دست به اعتصاب زدند. این عمل خشم نیروهای نظامی را برانگیخت و آنها به داخل منطقه لشکرکشی کردند. آنها تمام مردم را دستگیر و به اکثر زنان و حتی دختران کوچک تجاوز کردند. لباسها را از تن پسران در می آوردند

ده سال قبل من برای اولین بار اینجا (آلمان) بودم. در آن زمان آدمم تا از دیکتاتوری نظامی حاکم بر بولیوی شکایت کنم و بگویم که مردم ما یک دولت دمکراتیک می خواهند. ما یک دولت دمکراتیک داریم و امروز من بعد از ده سال دوباره اینجا هستم تا شکایت کنم که ما یک دموکراسی داریم. دموکراسی ای که با گرسنگی توأم است.

و آنها را مجبور به خوردن باروت می کردند و شلاقشان می زدند. شیشههای خورده شده را روی زمین می ریختند و کودکان را مجبور می کردند لباس از تن درآورده و روی شیشهها دراز بکشند. یک دینامیت را در دهان یک نماینده اتحادیه گذاشتند و فتیله آتشی زدند. اکثر کارگرانی را که دستگیر کرده بودند لخت و تیرباران کردند. اینها چیزهایی بودند که تحت حکومتی نظامی اتفاق افتادند. در آن زمان

ما متحد باشد هنگامیکه اسلحه در دست ندارد نمی تواند با یک ارتش در بیفتد. به همین علت ما می بایستی بر می گشتیم. کشور ما در عین حال بوسیله فرقههای مذهبی از کار افتاده است. در مطبوعات گفته می شود که بیش از ۴۰ فرقه مذهبی در بولیوی وجود دارد. تمام این فرقهها اعلام می کنند ما بایستی مکافات اعمال خود را پس بدهیم. لازم نیست مردم بهتر زندگی کنند زیرا آخر زمان دارد فرا می رسد. کار این فرقههای مذهبی تا جایی پیش رفته است که علناً اعلام می کنند مردم لازم نیست به فکر نان و تامین زندگی خود باشند بلکه باید به جنگلها بروند و زندگی کنند و انتظار فرا رسیدن آخر زمان را بکشند.

سازمانهای بشر دوستی هم وجود دارند که به اصطلاح مشغول کمک به ما هستند. مثلاً آنها دندانهای ما را هنگامیکه خراب می شوند، می کشند. آنها دندانهای ما را معالجه نمی کنند بلکه می کشند و ظاهراً به ما کمک می کنند.

در اروپا عادت به شنیدن این نکته هست که در دیکتاتوریهایی نظامی حقوق بشر پاهمال می گردد و هرگاه دولتی وجود داشته باشد که ظاهراً دمکراتیک انتخاب شده باشد بلافاصله این به ذهنشان می رسد که ما در بهشت زندگی می کنیم. اما ما معتقدیم که دموکراسی در آمریکای لاتین نقش پردهای بازی می کند که پشت آن حقوق انسانی پاهمال می گردد و این در تمام کشورهای آمریکای لاتین، در بولیوی، پرو، آرژانتین، گواتمالا، السالوادور و شیلی ... اتفاق می افتد. من از شما می پرسم آیا این نقض حقوق بشر نیست که از کارگران کارشان را بگیرند؟ آیا این نقض حقوق بشر نیست که به انسانها مسکن ندهند؟ آیا دریغ کردن آموزش، خوراک، سلامتی و سرپناه از کودکان نقض حقوق بشر نیست؟ به همین دلیل من اینجا هستم تا از این دموکراسی شکایت کنم. این دموکراسی توأم با گرسنگی که دولتها بر ما تحمیل کرده اند.

کارگران امروز

کیم مودی : جنبش اجتماعی اتحادیه برای تغییر کل اوضاع جامعه مبارزه می کند

کیم مودی یکی از سازماندهندگان و فعالین سرشناس جنبش کارگری آمریکاست. وی از بنیانگذاران نشریه کارگری "لیبر نتز" است که در بین فعالین رادیکال جنبش کارگری آمریکا نفوذ دارد. همکار ما علی جوادی در ماه جولای سال جاری گفتگویی با او انجام داد که بخشهایی از آنرا در زیر می خوانید.

● کارگزار امروز: علت انتشار "لیبر نتز" چه بود. اهداف، برنامه و جهتگیری آن در جنبش کارگری آمریکا چیست و تاکنون چه تاثیری داشته است؟

● کیم مودی: ما انتشار "لیبر نتز" را در اواخر سالهای دهه ۷۰ یعنی هنگامی شروع کردیم که بورژوازی هجوم فزایندهای را به جنبش کارگری آغاز کرده بود. در همین حال اتحادیههای کارگری هر چه بیشتر افول کرده و از مقابله با هجوم بورژوازی آمریکا ناتوان بودند. از سوی دیگر مقاومتی کارگری و بخصوص اعتصاب معدنچیان آمریکا در سال ۷۸ نشان می داد که بخشی از کارگران آمادهاند تا در مقابل تعرض بورژوازی از منافع خود دفاع کنند. ولی این گرایش رزمنده در جنبش کارگری فاقد سازماندهی و یک ارگان مشخص بود.

ما هرچند که قادر به ایجاد یک سازمان کارگری نبودیم ولی با انتشار "لیبر نتز" کوشیدیم صدای کارگرانی باشیم که می خواهند سیمای جنبش کارگری کنونی را دگرگون سازند و آنرا به جنبشی رزمندهتر و دموکراتیک تر برای دفاع از منافع کارگران و تغییرات اجتماعی وسیع تبدیل کنند. مهمترین موفقیت نشریه ما تاکنون در تعریف مجدد مسائل مبارزاتی کارگران و افشای سازشهای مکرر اتحادیهها با کارفرماها هنگام انعقاد قراردادهای دسته جمعی بوده است.

به اعتقاد من ما با انتشار "لیبر نتز" امکان دادیم گرایش مبارز درون جنبش کارگری ارگانی داشته باشد تا از طریق آن نظرات خود را بگوش بقیه کارگران برساند. ما فقط کار خود را به انتشار "لیبر نتز" محدود نکردیم، ما با برگزاری کنفرانسهای کارگری در سطح کشوری و گسترش شبکههای ارتباطی خود در اتحادیهها کوشیدیم تا بخش مبارز جنبش کارگری با هم آشنا شوند و در کنار یکدیگر متحدین پایداری را بیابند و هر چه بیشتر بصورت یک نیرو در جنبش کارگری ظاهر شوند.

ما تاکنون ۵ کنفرانس کارگری در سطح کشوری برگزار کرده ایم. این کنفرانسها عمدتاً بر سر موضوعاتی از قبیل، "سازشهای مکرر اتحادیهها با کارفرماها"، "تلاش رسوایی برانگیز کارفرماها برای طرح همکاری مشترک کارگر و کارفرما در کارخانجات"، "سیستم تولید و مدیریت ژاپنی و اثرات آن بر کارگران" و غیره بوده اند.

تصور می کنم ما با کمک عناصر مترقی و مبارز جنبش کارگری برای آنکه کارگران مسائل این جنبش را با یک دید کارگری بنگرند، در مقابل تهاجم کارفرماها مقاومت کنند و هر چه بیشتر به یکدیگر نزدیک شوند، تاثیر مثبتی داشته ایم، هر چند که عملاً تاکنون قادر نشده ایم جلوی تهاجم بورژوازی را سد کنیم.

● ک.ا: در مورد شبکههای کارگری صحبت کردید، آیا این شبکهها خارج از ساختار رسمی اتحادیهها قرار دارند؟ آیا شما آنها را بعنوان آلترناتیو سازماندهی اتحادیههای کنونی می بینید؟

● ک.م: خیر. من به این شبکهها بعنوان یک آلترناتیو یا سازمان خاصی نگاه نمی کنم، به نوبه خود می کوشیم کارگرانی را که می خواهند جنبش کارگری دموکراتیک تر و رزمندهتری را

بسازند با هم آشنا کنیم و ارتباط آنها را با یکدیگر برقرار سازیم. این تلاش از سوی ما به طرق مختلف از ارتباط ساده تلفنی گرفته تا برگزاری کنفرانسهای کشوری که از آنها صحبت کردم صورت می گیرد. در این کنفرانسها بسیاری از کسانی که عضو اتحادیههای مشابهی هستند ولی با هم ناآشنا هستند یکدیگر را می بینند و با نظرات هم آشنا می شوند. تا آنجا که به مسئله شکل باز می گردد ما از تشکیل کمیتههای حمایت از اعتصاب که به کمک کارگران اعتصابی می شتابند، حمایت کرده و اخبار این حمایتها و دیگر مظاهر همبستگی کارگری را مرتباً در "لیبر نتز" درج کرده ایم.

کمیتههای حمایت از اعتصاب و شبکههایی که از آنها صحبت کردم در بعضی جاها دائمی و در برخی دیگر حالت موقتی دارند و در هر حال هنوز بصورت رسمی و جا افتاده وجود ندارند و عمدتاً در چارچوب رسمی اتحادیه به فعالیت می پردازند.

● ک.ا: موقعیت کنونی جنبش کارگری آمریکا را چگونه می بینید و مختصات اصلی این جنبش در حال حاضر کدامند؟

● ک.م: به اعتقاد من اولین خصوصیت مهم جنبش اتحادیههای در آمریکا و در بسیاری دیگر از کشورهای صنعتی این است که در حال افول و عقب نشینی است. این موضوع دلایل زیادی دارد. بنظر من زوال جنبش اتحادیههای بخصوص در آمریکا از یکسو به زوال نسبی صنایعی که سنتاً در کشورهای صنعتی، اتحادیههای محسوب می شوند از قبیل صنایع فولاد و اتوموبیل سازی برمی گردد و از سوی دیگر به ناتوانی رهبری جنبش اتحادیههای از سازماندهی کارگرانی که فاقد اتحادیهاند مربوط است.

رهبری جنبش اتحادیههای در آمریکا صرفاً می خواهد از تشکلهای اتحادیههای موجود دفاع کند و از سازماندهی میلیونها کارگری که با مردهای بسیار ناچیز هر روزه استثمار می شوند و بخش مهمی از آنها را زنان و کارگران مهاجر تشکیل می دهند بکلی ناتوان است. چندی پیش آماری را دیدم و شدت شگفت زده شدم. مطابق این آمار در دهه ۸۰ تنها پنج و یکدهم درصد از کارگران اتحادیههای در آمریکا در انتخابات اتحادیه خود شرکت کرده اند. این آمار هم چنین نشان می دهد که تلاش برای تشکیل اتحادیه در دهه ۸۰ یک پنجم سالهای ۷۰ بوده است.

● ک.ا: آیا فکر نمی کنید که کاهش شرکت کارگران در فعالیتهای اتحادیههای همچنین به سیاستهای سازشکارانه اتحادیه، ساختار غیر دموکراتیک آنها و عدم توانایی آنها در دفاع از حقوق کلیه کارگران نیز

آنچه را که من جنبش صنفی اتحادیههای می نامم، رهبری است که عملکرد اتحادیه را تنها در چارچوب تنگ معامله کار کارگر در مقابل مزد می فهمد، خود را در چارچوب قراردادهایی که سودآوری رقبای سرمایه را تضمین کند متعهد می داند، اتحادیهها را بنگاههای تجارتي می پندارد که با کارفرماها معامله می کنند. این سنت کل جنبش کارگری را نه بمثابه یک جنبش اجتماعی برای تغییر اوضاع جامعه بلکه وسیلهای برای گذران روزمره زندگی در چارچوب شرایط اجتماعی موجود می فهمد.

برمی گردد؟

● ک.م: بله. من کاملاً در این مورد با شما موافقم. ساختار بوروکراتیک اتحادیهها عملاً مانع اعمال اراده مستقیم کارگران می شود. به اعتقاد من ساختارهای بوروکراتیک اتحادیهها اساساً برای جلوگیری از دخالت مستقیم کارگران در تصمیم گیریها شکل گرفته اند. این یک معضل کلیدی در جنبش کارگری است. تصور کنید زمانیکه کارفرماها با تمام قوا و یک سازماندهی بسیار منظم به جنبش کارگری حمله کرده اند، سازمانها و تشکلهای کارگر، که بر اساس ساختارهای بوروکراتیک شکل گرفته اند قادر به بسیج کارگران برای دفاع از حقوقشان در مقابل این تهاجم نیستند. من معتقدم که هیچگونه بسیج توده ای کارگران نیست. از اینروست که ما در "لیبر نتز" بر

گسترش دموکراسی درون اتحادیهها تاکید فراوان داریم و از آن بخشی از جنبش کارگری مانند "لیو دایرکشن" در اتحادیه کارگران اتوموبیل سازی و "اتحادیه رانندگان کامیون برای اتحادیههای دموکراتیک"، (تی.دی.یو) هم که امروز در حال مبارزه برای حصول به شرایطی است که کارگران بصورت مستقیم در تصمیم گیریها شرکت کنند، حمایت می کنیم.

● ک.ا: جنبشهایی نظیر "لیو دایرکشن" و "تی.دی.یو" در چه موقعیتی بسر می برند، چه دورنمایی دارند و تاکنون چه دستاوردهای داشته اند؟

● ک.م: باید بگویم که غلبه این جنبشها بر رهبری فعلی اتحادیهها امر بسیار دشواری است. ولی آنچه مرا امیدوار می سازد اینست که رشد این جنبشها در سالهای اخیر و بخصوص در سطح اتحادیههای محلی بوده است. روی آوری هر چه بیشتر اتحادیههای محلی به این جنبشها امکان خواهد داد تا آنها در آینده با نیروی بیشتری با رهبری اتحادیهها مواجه شوند. این جنبشها تاکنون دستاوردهای متعددی داشته اند که از جمله می توان به تغییرات سیستم انتخاباتی درونی اتحادیه رانندگان کامیون اشاره کرد که حاصل فشار فزاینده "تی.دی.یو" بوده است. سیستم انتخاباتی اتحادیه کارگران اتوموبیل سازی که "لیو دایرکشن" در آن فعال است صورت

من از شرایط جنبش کارگری ایران اطلاع زیادی ندارم ولی از آنچه شما برایم ارسال داشته اید بنظر می رسد که سطح بالایی از اختناق، عملاً امکان فعالیت آزاد و علنی اتحادیهها و تشکلهای کارگری را از میان برداشته است. در چنین موقعیتی فعالین سوسیالیست و کارگری ایران می بایست به مطلع کردن جنبش کارگری آمریکا در این مورد بپردازند. جنبش کارگری آمریکا نشان داده است که می تواند از حقوق کارگران سایر کشورها و از رهبران کارگری در مواقع دستگیری و غیره... دفاع کند.

دیگری دارد. انتخاب رهبری در این اتحادیه از طریق نمایندگان کنکره اتحادیه صورت می گیرد. این سیستم انتخاباتی، مبارزه با رهبری اتحادیه را، که در انتخاب نمایندگان کنکره شدت اعمال نفوذ می کند، بسیار دشوار می سازد. با وجود این دشواریها، جنبش "لیو دایرکشن" در حال رشد است، هر چند که این جنبش هنوز فاقد قوای کافی برای بریز کشیدن رهبری سازشکار اتحادیه است. جنبش برای اصلاح و دموکراتیزه کردن اتحادیهها محدود به "لیو دایرکشن" و "تی.دی.یو" نیست و برای مثال کارگران در اتحادیه هستیچها که عمدتاً از کارگران سیاه و مهاجر تشکیل شده است، دارای جنبش نیرومندی است که چندی پیش موفق شد تا رهبری اتحادیهها را

برکنار سازد و اساسنامه اتحادیه را بازنویسی کند. من این اساسنامه را خوانده ام و باید بگویم یکی از دموکراتیک ترین اساسنامههایی است که تاکنون دیده ام. این یکی از مواردی است که جنبش اصلاح اتحادیهها قادر شده است اتحادیه را کاملاً در دست بگیرد. در برخی از اتحادیههای دیگر نیز چنین روندهای مشابهی وجود دارد که از جمله می توان به اتحادیه معدنچیان اشاره کرد.

● ک.ا: حتی اتحادیه معدنچیان نیز که تفاوتهای چشمگیری با سایر اتحادیهها دارد، رهبریشان از اعتصاب غیررسمی معدنچیان پیستون استقبال چندانی نکرد می خواهم نتیجه بگیرم که آیا فکر نمی کنید جنبش اتحادیههای اساساً یک جنبش اجتماعی متفاوت با جنبش کارگران مبارز و رادیکال است و این دو جنبش در حقیقت منافع

یکسانی را تعقیب نمی کنند؟

● ک.م: تصور من اینست که جنبش کارگران مبارز بخشی از جنبش اتحادیههای است و رهبری بوروکراتیک اتحادیهها نیز بخش دیگر این جنبش را تشکیل می دهند. حتی بهترین رهبران اتحادیههای موجود نیز در چارچوب سنت سیاسی فکری لیبرالیسم قرار دارند.

● ک.ا: شما در کتاب "ضربههای همه" بوجود دو حرکت متفاوت در جنبش اتحادیههای یعنی جنبش اجتماعی اتحادیههای (سوسیال یونیونسیم) و جنبش صنفی اتحادیههای (بیزینس یونیونسیم) اشاره کرده اید. تفاوتی این دو جنبش را چگونه توضیح می دهید؟

● ک.م: اکثریت قریب به اتفاق رهبری اتحادیههای فعلی در آمریکا به سنت صنفی اتحادیههای تعلق دارند. آنچه را که من جنبش صنفی اتحادیههای می نامم، رهبری ای است که عملکرد اتحادیه را تنها در چارچوب تنگ معامله کار کارگر در مقابل مزد می فهمد و خود را در چارچوب قراردادهایی که سودآوری رقبای سرمایه را تضمین کند متعهد می داند. رهبری جنبش صنفی اتحادیههای، اتحادیهها را بنگاههای تجارتي می پندارد که با کارفرماها معامله می کنند. این سنت کل جنبش کارگری را نه بمثابه یک جنبش اجتماعی برای تغییر اوضاع جامعه بلکه وسیلهای برای گذران روزمره زندگی در

چارچوب شرایط اجتماعی موجود می فهمد. جنبش اجتماعی اتحادیههای که به اعتقاد من سابقه آن به سالهای ۱۹۲۰ و ۱۹۴۰ بر می گردد رهبران و فعالین خود را داشته است و طیف وسیعی از مبارزات کارگری را شامل می شده است. تجسم تشکیلاتی این طیف را می توان در "کنگره کارگران صنعتی"، "سی.ای.دابلیو" یافت. این گرایش جنبش اتحادیههای را یک جنبش اجتماعی می داند که برای تغییر کل اوضاع جامعه مبارزه می کند. جنبش که نه تنها منافع اعضای اتحادیه بلکه منافع کل کارگران را مد نظر دارد. جنبش اجتماعی اتحادیههای برای تغییرات سیاسی مبارزه می کند که به نفع طبقه کارگر باشد و خود را در چارچوب قوانین موجود محدود نمی سازد. سراسر تاریخ جنبش اتحادیههای و کارگری آمریکا صحنه برخورد مداوم این دو گرایش و مبارزه آنها با یکدیگر بوده است.

● ک.ا: احزاب سیاسی در جنبش کارگری آمریکا تا چه حد نفوذ دارند؟

● ک.م: در حال حاضر سنتهای حزب دموکرات یعنی حزب جناح لیبرال سرمایه بر جنبش کارگری غالب است. رهبری جنبش اتحادیههای بجز چند استثنا انگشت شمار وابسته به این حزب است و دارای دورنمای بورژوا لیبرالی است. احزاب دست راستی دیگر نفوذ قابل ملاحظه ای در جنبش کارگری ندارند. احزاب چپ در مجموع کم نفوذند و هیچکدام از آنها نفوذ گسترده و قابل ملاحظه ای در جنبش کارگری ندارند.

● ک.ا: در سال گذشته و امسال ما شاهد اوجگیری مبارزات کارگری از جمله اعتصاب کارگران شرکت هواپیمایی ایسترن، کارگران و رانندگان گری هاند و معدنچیان و غیره بوده ایم. بنظر شما آیا این مبارزات قادر به توقف موج هجوم بورژوازی در همه اخیر به پرچمداری ریگان خواهد بود یا خیر؟

● ک.م: بله، این ممکن است. ببینید، ادباشته شدن ثروت در نزد سرمایه داران و فقیر شدن کارگران در سالهای اخیر در آمریکا شکل عریانی بخود گرفته است. این وضعیت

نمی تواند با خود عکس العمل اجتماعی به همراه نیاورد. جنبش اجتماعی و وسیع کارگری که امروز در آمریکا جریان دارد چه پیروز شود و چه مغلوب گردد حاصل تلاش کارگران در مقابله با این اوضاع است. کارگران می گویند: عقب نشینی بس است. کارفرماها به اندازه کافی سود برده اند.

جنبشها برای اصلاح و رفرف در اتحادیهها نیز حاصل خشم و نفرت کارگران از اوضاع فعلی است. با این وجود تصور نمی کنم که این جنبشها در حال حاضر اقتدر نیرومند باشند که بتوانند تهاجم سرمایه را کاملاً متوقف کنند و یک دور تهاجم را در دستور کار خود بگذارند. ما هنوز به یک نقطه عطف در مبارزات کارگری نرسیده ایم. آنچه جنبش کارگری در سالهای اخیر نشان داده همچنین مبین قطعی شدن هر چه بیشتر گرایشات درون جنبش کارگری و تحرک بیشتر جناح رادیکال این جنبش است. با وجود این هنوز با قطعیت نمی توان گفت این قطعی شدن به کجا می رود و به چه سرانجام تشکیلاتی و اجتماعی خواهند انجامید.

● ک.ا: فکر می کنید مبارزات کارگری در دهه ۹۰ حول چه خواستها و مسائلی شکل خواهد گرفت؟ کارگران سوسیالیست باید مبلغ چه خواستهایی در میان کارگران باشند؟

● ک.م: فکر می کنم یکی از بهترین اهدافی که روبروی کارگران سوسیالیست قرار دارد تغییر دادن جنبش اتحادیههای فعلی است. حال چه با دموکراتیزه کردن اتحادیههای موجود و چه با تشکیل اتحادیههای جدید و یا فرمهای دیگر شکل کارگری. هدف دیگر متشکل کردن توده وسیع کارگرانی است که در حال حاضر دارای هیچ تشکیلی نیستند. موضوع مهم دیگر حاکمیت سیاستها و دورنمای حزب دموکرات بر جنبش کارگری است که نه تنها به شکست این جنبش بلکه به فاجعه انجامیده است. کارگران باید حزب مستقل خودشان را بسازند.

حزبی که متکی بر تشکلهای جمعیتهای کارگری باشد. تا آنجا که به اهداف عمومی طبقاتی باز می گردد فکر می کنم مسئله بیمه درمانی به هزینه دولت در محور خواستههای طبقه کارگر قرار دارد. مسکن مناسب و ارزان برای همگان در مقابله با بی خانمانی که ابعاد فاجعه آسای به خود گرفته، موضوع مهم دیگری است که جنبش کارگری باید پرچم مبارزه برای آن را بلند کند.

تا آنجا که به اهداف اقتصادی خاص طبقه کارگر باز می گردد، مسئله پائین آوردن ساعات کار روزانه در صدر همه قرار دارد. البته پائین آوردن ساعات کار تنها پاسخ لازم به مسئله بیکاری نیست. اما بی شک جنبش کاهش ساعات کار روزانه یک جنبش سیاسی و طبقاتی است که از محدوده مرزهای کنونی رهبری جنبش اتحادیههای فعلی بسیار فراتر می رود.

● ک.ا: فکر می کنید یک حزب سوسیالیستی کارگری در ایران چگونه می تواند همبستگی خود را با مبارزات کارگری در آمریکا نشان دهد؟

● ک.م: در جنبش کارگری آمریکا شکل گرفتن اتحادیههایی که از منافع کارگران حمایت می کنند، بر همبستگی بین المللی کارگری تکیه می کنند و ارتباط مستقیمی با کارگران دیگر کشورها بر قرار می سازند، همانطور که امروز بطور نمونه در برزیل و آفریقای جنوبی و یا کره جنوبی می بینیم یک ضرورت حتمی است. من از شرایط جنبش کارگری ایران اطلاع زیادی ندارم ولی از آنچه شما برایم ارسال داشته اید بنظر می رسد که سطح بالایی از اختناق، عملاً امکان فعالیت آزاد و علنی اتحادیهها و تشکلهای کارگری را از میان برداشته است. در چنین موقعیتی فعالین سوسیالیست و کارگری ایران می بایست به مطلع کردن جنبش کارگری آمریکا در این مورد بپردازند.

جنبش کارگری آمریکا نشان داده است که می تواند از حقوق کارگران سایر کشورها و از رهبران کارگری در مواقع دستگیری و غیره... دفاع کند.

Interview with Kim Moody On the US labour movement

Kim Moody is one of the founders of Labor Notes, a workers' paper published in the US, and for many years has been an organiser and activist in the US labour movement. He talked to Ali Javadi, Worker Today co-worker in the US, about the objectives of Labor Notes and the current issues in the US labour movement. Excerpts:

Worker Today: Could you tell us about *Labor Notes*?

Kim Moody: We started publishing *Labor Notes* late in the 70s when there was a growing attack on the labour movement and the unions were in decline. At that time there were also struggles - such as the 1978 miners' strike - which showed that there were people in the labour movement who were willing to fight back. But they lacked a voice and organisation. While we could not provide organisation, we started *Labor Notes* with the idea of providing news and analysis to those people in the labour movement who wanted to change it, to make it a more militant and democratic force to protect the interests of workers and for social change in general. The real function of *Labor Notes* over the years

Business unionists limit their negotiating goals within the profitability and competitive restraints of the companies that they deal with. They see themselves as a business, as the provider of insurance, pensions, etc. They don't see the labour movement as a social movement for social change. They see it as something that might advance the immediate economic interests of the workers, but within the framework of the existing power relationships of industry and society.

has been to reinforce those elements at the grassroots who were trying to reverse labour's decline, to make it a vibrant social movement once again. Some of our major successes have been in terms of having to define the debate over certain issues for example contract concessions in the early 80s. After the Chrysler bail-out of 1979-80, the unions began giving in to corporate concessions demands. At that point the officialdom of the labour movement argued that this was a temporary phenomenon due to the recession of the early 80s. We argued, however, that once you begin making such concessions to the employers they will only become hungrier and this will spread from industry to industry. This is exactly what happened. To help to provide an analysis of this, we published a book in 1983 called "Concessions and How to Beat Them". In general we helped those forces in the labour movement who were trying to resist concessions to have a more coherent analysis and to see themselves as a force.

We don't just put out a newsletter. We organise conferences and do networking among people in different unions. We had five national conferences in the 80s, each bigger than the one before. They concentrated on issues such as concessions and more recently on the problem of the attempt to introduce labour-management cooperation schemes. We have also published books that have become important sources of analysis and information for labour activists. So we have had an impact on the way these things have been discussed, helping the progressive forces at the grassroots to resist.

WT: What are these labour networks? Are they outside the existing union structure? Do you see them as an alternative to the existing labour organisation?

KM: No they are not meant to be an alternative, and they are not for the most part organisations. We have

brought together people who are like-minded and who are trying to create a more democratic and a more progressive labour movement. One of the things we have encouraged is locally based cross-union strike support groupings. By labour networking I mean something that's still informal and which occurs in the context of organised unions. They are, of course, certainly not approved by the official bureaucracy of the unions.

WT: How do you assess the present situation of the US labour movement? What are its main characteristics?

KM: The first characteristic of the labour movement in the US is that it is declining. That's due to many things: the relative decline of traditionally unionised industries such as auto and steel. It is also due to the failure of the union leadership to organise the unorganised. The fact

that traditional industry is declining and being replaced by services is in itself no explanation of why labour movement as a whole should be shrinking, because most of the service industries are perfectly organisable. The fact that in the US they are not organised is largely due to a lack of will and political vision on the part of the labour leadership who sees the labour movement in a defensive way. They think about defending their own institutions, but not about going out in organising the millions of low-paid workers.

Some figures I saw the other day even surprised me: only 0.1% of workers go to any union elections! In the 70s it was five times as many. In other words, they have reduced their organising efforts instead of increasing them in the face of the decline. There are some exceptions, but by and large labour is not taking an aggressive stance towards organising the unorganised or developing new strategies for this purpose.

WT: Don't you think that this lack of participation is due also to the conciliatory policies and the undemocratic structure of the labour unions?

We have to approach the question of independent working class politics; a new party based on working class organisations and communities, and on oppressed communities in the social movement.

The fact that they do not to the full extent defend the rights of the workers?

KM: Yes, absolutely. The highly bureaucratized structure of American unions - and they are not unique in this - discourages and excludes the membership from any decision of any real importance on a regular basis. In most unions these structures are designed, and have been designed for the past 40 years, to prevent and discourage membership participation. If the union is not an organisation designed to mobilise the membership, then how is it going to chal-

lenge aggressive, powerful employers like multi-national corporations? If the union is not democratic, it is obviously a demobilised organisation. That is one of the key problems of American unionism.

There are people in the unions who are building movements in order to change them. Two of the better organised examples are the New Directions in the United Auto Workers (UAW), and the Teamsters for a Democratic Union (TDU). Of course it is very difficult for a movement to actually be able to take over these huge bureaucratic structures and reform them. But they are gaining in strength on a local level, and from this kind of a base they'll hopefully be able to launch a more effective challenge to the bureaucracy.

In the Teamsters an elections reform is under way, partly as a result of years of pressure by the TDU. The power base of that union has opened up enormously. In the UAW they have a conventions system which makes it a lot harder to challenge the top leadership. The New Directions has generally gained support.

In the mail-handlers union they did take over and succeeded in re-writing the constitution which is one of the most democratic union constitutions I have ever seen. They are now bargaining their first contract on their own. There are some unions which represent the reform movements of the past. For example the United Mineworkers which reflects a 20-year fight to reform that union. That is why you could have such an enormously powerful struggle like the Pittston struggle.

WT: In the book *An Injury to All* you talk about "Business Unionism" and "Social Unionism". What are their differences?

KM: Most of the American labour leaderships are business unionists. What I mean by that is simply that they see the practice of trade unionism in extremely narrow wages and hours terms; in terms of a few dollars negotiated. They limit their negotiating goals within the profitability and competitive restraints of the companies that they deal with. In a certain sense these unions see themselves as a business, as the provider of insurance, pensions, etc. Business unionists don't tend to see the labour movement as a social movement for social change; they see it as something that might advance the immediate economic interests of the workers, but within the framework of the ex-

isting power relationships of industry and society.

The social unionists are really a trend that goes back to the 1930s and 1940s when you had the huge industrial union upheaval that created the CIO (Congress of Industrial Organizations). Social unionists represent a broad spectrum of people, from conservative thinkers to revolutionary socialists. But the way the term is generally used and the way I use it is to describe people who see the labour movement as a social movement; not only a movement that should defend the interests of its own members, but one which organises

and protects the interests of the working class as a whole. Social unionists are concerned with wider social issues. Of course that can be a moderate and social-democratic view of things, and it can be a more radical view. But they are different in the sense that they don't just see the union as a bureaucratic provider of services to members who pay dues.

WT: What is the influence of the political parties in the American labour movement?

KM: The dominant political party in the labour movement is the Democratic Party, the party of capitalist liberalism. The labour leadership in America - with a handful of excep-

Social unionists see the labour movement as a social movement; not only a movement that should defend the interests of its own members, but one which organises and protects the interests of the working class as a whole.

tions - is completely committed to this party and is influenced by its rather pathetic neo-liberal outlook on the world. There's been a long-standing alliance between the trade union bureaucracy and the leadership of the Democratic Party.

The organised left has a relatively small influence. That is not to say that there isn't within the labour movement a broad left, including a socialist left. Although this is relatively small. This is the reflection of the weakness of the organised left in the US which in turn is a reflection of the relatively low level of political class consciousness that exists in this country. But there are many labour activists who would regard themselves as socialists of one kind or another.

WT: In the past year we have seen a resurgence of labour struggles: the miners, the Eastern Airlines and the Greyhound strikes. Do you think this new tide would be able to resist the attacks on the labour movement and reverse the tide?

KM: It is possible. What has happened so far should be understood as

Two clear trends in the labour movement are moving in opposite directions. We don't know what exact organisational form that'll take, whether it will mean a new CIO or a change in the existing unions; or whether the organisation of the service sector will shake up the class relations so much that something even more unpredictable will happen. This new grassroots trend is now a force that has to be reckoned with.

a working class reaction to these attacks. A reaction to a period of incredible polarisation of wealth in this country. This has expressed itself in the form of strike movements. The consciousness behind it is that capital has gone too far, and we the workers have given enough and we are not going to give any more. The reform movements I mentioned earlier are reflections of this fight-back against not just the union bureaucracy but also against the employers, against the whole regime of neo-liberal capital that says that you must sacrifice your living standards to competitiveness in the world market, etc. This is not yet powerful enough to reverse the tide of offensive by capital.

In *Labor Notes* we don't say that we are at a turning point. We say that this represents a polarisation within the labour movement itself, between two wings: one which has come out of business unionism, that sector which is promoting the idea that the future of the labour movement rests in cooperating with the management and promoting the competitiveness of our employers. We have seen what catastrophic deadend this has been throughout the 80s. The other is the reform and strike movement; the growth of a consciousness inside the labour movement of the

need for greater international solidarity, as people realise that they are working in a world economy. This is a counter-trend to business unionists. Two clear trends in the labour movement are moving in opposite directions. We don't know what exact organisational form that'll take, whether it will mean a new CIO or a change in the existing unions; or whether the organisation of the service sector will shake up the class relations so much that something even more unpredictable will happen. This new grassroots trend, the New Directions trend, is now a force that has to be reckoned with.

WT: What do you think the demands of the workers' struggles will be in

the 90s? What should the socialist workers stress today?

KM: The first set of demands and ideas has to do with changing the structure of the labour movement itself. That is to say both democratising the existing unions, and creating new unions and new forms of labour organisations for the tens of millions of workers who are not organised yet. Organising the unorganised is extremely important. The question of politics has to be addressed, too. The alliance with the Democratic Party is more than a failure; it is a catastrophe. It has imprisoned the American labour movement in a mythology of classless society, in a view of politics that is the equivalent of business unionism, a type of pathetic liberalism that is incapable of fighting for the interests of the working class and oppressed people. So you have to approach the question of independent working class politics; a new party based on working class organisations and communities, and on oppressed communities in the social movement.

There are also a series of demands that do not amount to a full socialist

programme by any means, but are becoming credible and popular and are seen as necessary among working people, such as a national health plan and the problem of housing. We have a health crisis that's unbelievable. The USA is the only advanced capitalist country in the world, with the exception of South Africa, that does not have a national health plan. There are also demands specific to labour such as shorter work-week or shorter working time. That is by no means a total solution to the problem of unemployment, but is part of the solution.

WT: How can there be a mutual solidarity between the labour movement in the US and in Iran?

KM: It is really necessary that organisations be formed in the US on the basis of international solidarity. The example of Brazil and South Africa show that you can have successes. I don't know much about the situation of the labour movement in Iran, but from what you have sent me it is obvious that the extreme repression has actually prevented free activity of unions and labour organisations. Socialist and labour activists in Iran should provide us with information about the situation of the labour movement there. ■

East Alborz mine in Iran:**Coal miners expose hazards****My lungs are destroyed; doctor thought I'd been gassed at the war front.**

East Alborz coal mine lies in the vicinity of the town of Semnan and has a workforce of around 2,500. The following report (abridged) first appeared in the daily *Resalat*, published in Tehran.

Amir Dehghanpoor:

(Technician in the main tunnel)
- If there were facilities, the hazards of working in the mines would be reduced. Now there is the danger that wagons might get derailed and tip over the coal loads.

Rajab-Ali Mirdar:

(From the drilling section)
- When we are working with the pickers there is the danger that coal might break off and fall on those down below. The planks used in the mines are very weak and can result in fatal accidents. In the drilling section we have no air hoses, so we get short of oxygen. There are only ten showers and of these only one works. So we have to queue and waste some time in this way.

Hajbarat Ghareh-Khani:

(Chief drilling worker with 13 years' experience)
- As a result of working in the drilling section, my lungs are almost destroyed. I have lost hearing in my left ear due to coal dust. Considering the high cost of living, the economic

difficulties we are under and the hard work we do, we should get a pay rise. We used to receive milk to prevent our lungs from being contaminated. But this too has been cut.

Seyed Ebrahim Hosseini:

(From the main tunnel)
- I have been working at the mine for 16 years and I've worked well. But after the recent job classification I was transferred to a lower grade job. As a result I have to pay 200,000 rials in compensation! Shouldn't someone who has worked so hard at least be exempted from paying compensation, if not indeed rewarded?

The mine is situated under the mountain and the severity of the work here is no secret. I hope we would have our wages increased so that we may be able to overcome the economic difficulties.

We suffer from a whole range of diseases like asthma, eye weakness and hearing problems. Every year 10 to 15 workers suffocate from poisonous fumes, or lose their lives when the tunnels cave in.

Gholam-Hossein Bahramian:

(Has worked underground for 18 years; he has now been transferred to the surface)
- Since starting work outside the mine I don't receive severity-of-work benefit. I'm the only bread-winner of a

family of nine, and face great difficulties. Due to the long years of work inside the mine I have developed cataract as well as asthma. I came out of the mine because of this problem with the lungs.

Despite my long work record, the overtime benefit which I used to receive has been cut. When workers retire from the mines they don't have the strength to work anywhere else. And since they can't live on their pension alone they run into trouble. The pensioners from the mining company have not been paid for the past nine months.

Habib Ja'afari:

(From the services section)
- There is only one shower for all these workers in the mine. Since there is no canteen we have to eat in the same room where we wash our laundry.

Yahya Arab-Ahmadi:

(From the main tunnel)
- My lungs have been destroyed because of work in the heart of the coalmine. Now if lights go out at night or if I'm in an overcrowded bus I get pain in the heart. My strength has been exhausted through work in the mine. After I retire I won't have the strength to do anything, and the pension won't go very far.

Abbas Saberi:

(From the main tunnel)
- I used to work in the extraction section from 1973 to 1987. After I was wounded in the (Iran-Iraq) war I was transferred to the surface. Since then the severity-of-work and overtime allowances have been cut. One of our problems is that the overalls and soap which we should be given are not provided any more.

Ali-Naghi Ashrafi:

(Technician)
- Problems in this mine include the dusty air, dangerous fumes, and the likelihood of accidents and injury. We were supposed to receive milk recently but unfortunately this has not happened, despite the fact that milk is very important for our health. Since we have to set off for work at 5.00 o'clock in the morning and come back at around 5 o'clock in the afternoon, we are practically spending 12 hours. Our pay is calculated for 8 hours. We are paid only 24 hours overtime per month while this should be at least 120 hours.

The facilities are insignificant. The toilet facilities are very poor. There is only one shower for 2,500 workers. The quality of food is very low. There is no canteen.

When I started work the stairs leading to the workplace were 10m; now they have become 15m. This means that the pressure on the worker has increased since more wagons have to be taken out. But there has been no corresponding increase in the wages.

They call us for compulsory work on our days off. If we don't turn up we are put down as absentees. For

every day that we don't turn up there is cut in wages equivalent to two days' work.

Ahmad Fani:

(Explosives worker)
- The explosion operations we do are very dangerous. They should be done according to regulations and guidelines. But this is not the case. For example according to the rules, the workers should be warned at least half an hour to one hour before the explosion operations. But since they put pressure on us, only two minutes warning is given.

The poisonous fumes destroy the body's internal organs. When I visited the doctor he thought that I had been gassed by chemical bombs at the war front.

Ali Zav'ar:

(From the main tunnel)
- Because of the work in the mine I have been involved in accidents several times. Despite such accidents and despite a 17-year record of work I am still ranked in a low grade.

Mohammad Ali Dolatshahi:

(Head of the drilling workshop)
- I have a work record of 19 years. Work in mines is hard and heavy and results in lung diseases and bone problems. The work in the mine is so exacting that the mineworker has to pass coal through gaps smaller than the diameter of his cap; he has to work lying on his back. If the tunnel caves in it'll be a miracle if he ever got alive. The slides cause the wooden scaffolding to give in which can be dangerous to life. ■

From Page 12

IG Metall members ...

standpoints will lead to greater polarisation. At any rate it cannot serve to bring about a fruitful culture of discussion inside the union.

The situation has become more tense with the union leadership's decision to ban members' activity and their exercise of rights and duties - and this two days before the holding of the representatives election meeting in Bochum (which was also to elect a local executive). Thus 1/5 of the delegates taking part in the representatives meeting (the highest union organ locally) were excluded, directly affecting the composition of the new executive. This is a mockery of the most elementary rules of democracy.

We want to work resolutely to stop all the re-assessments. We want dismissed members be re-admitted. The last union congress resolved that: "Strengthening the members' base and the union so as to promote its goals requires openness, clarity and readiness for debates both inside and outside the union, and a discipline for carrying out our resolutions."

Should the dismissals policy at Opel continue, claims to openness and readiness for debates will become empty phrases and discipline will only mean unbending obedience. ■

Iran:**Brick-yards wage agreement****WT News Service:**

A week-long strike at the end of June by thousands of workers of the brick-yards around the city of Tabriz came to an end when the employers agreed to a pay rise, reports the Communist Party of Iran. A similar deal was reached between the workers of seven other brick-yards and the employers in the Malayer region after a two-day strike on 30 June. ■

Worker Today in union locals in Sweden!

The Stockholm branch of the Swedish trade union confederation (LO) has advised thousands of its sections and locals to subscribe to *Worker Today*.

This recommendation was made in a letter which the LO Stockholm branch sent to its sections and clubs together with three thousand copies of *Worker Today* issue no.5 and a subscription form. Here we reproduce parts of the English translation of this letter:

What is democracy when you are hungry?

Domitila Barrios, well-known labour leader from Bolivia and co-author of the book "Let Me Speak", held a speaking tour in summer in a number of cities in West Germany and Sweden. In Germany she was invited to speak to *Worker Today*. In her interview, which is published in the Persian section of the paper, Domitila describes, among other things, the severe living conditions of the workers in Bolivia after the 1985 defeats and their present fight-back in the face of the mass redundancies. Here we publish excerpts of her speech in Kassel, West Germany. The text published here has been translated from the Persian text of the German translation of the speech.

I was here ten years ago to protest against the military dictatorship in Bolivia and to say that our people want a democratic government. Now we have a democratic government, and I am here again after ten years to complain that we have a democracy; a democracy that is accompanied with hunger.

Subscribe to Worker Today

Comrades!

Worker Today is a new independent worker newspaper which in Sweden comes out once a month. The articles are in Farsi and in English.

The aim is thus to facilitate access to information for the large number of Iranian workers who live here in exile. Many of its articles even call on them to become active in Swedish labour organisations.

In countries like ours, the so-called countries of the Third World, the rich always rule in a two-handed way. Once they fail to silence the people, they bring in the army. And when they are threatened by people's struggles and under international pressure, they alter course and choose a democratic government.

Bolivia is rich in natural resources and has a diverse agriculture. That's why we say that we Bolivians are very rich. Bolivia has a population of seven million and is four times as big as West Germany. There are enough resources for the population to live on. But we live under miserable conditions. Successive Bolivian governments have tried to put the blame for this situation on the people. Some have claimed that Bolivia's backwardness is due to the huge illiteracy. Some say that the population is largely made up of "lazy Indians"! Still others blame women because they do not know how to prevent pregnancies! These governments have tried all kinds of ways to justify poverty and backwardness in Bolivia.

It is true that the majority of Bolivians are illiterate. But this is not our fault, it is the fault of the governments. It is the governments which give the bulk of our wealth to the rich and take it abroad, and put the most insignificant part in education. It is true that most of us are Indians and illiterate, but it is the same Indians who work in factories and farms to produce the wealth of the rich.

It is also true that we Bolivians don't use contraceptive pills, because much of the drugs imported is banned

The newspaper's primary goal is to provide the labour movement in Europe and the USA with reliable and factual information about the situation in Iran, in particular the struggle of the working people for rights and freedoms.

As is well known, the workers' movement in Iran is subject to an extreme political repression!

Worker Today wants to be a useful instrument for the labour movement's international solidarity struggle.

In the exporter countries because of its health hazards. Most women in Bolivia have at least five children. Were this the source of our misfortune, we would now be an overpopulated country. But we are no more than seven million. So what happens to our children? Most of them die before they are one year old. This is due to the low standard of living imposed on us by the states. In our country all kinds of governments have ruled: nationalist, Christian, democratic and military. But they have all been in essence the same, and none has been able to solve the country's problems.

Our people have always fought against these injustices. That's why we live under the most brutal dictatorships.

I'll explain this by giving you an example. In a mining community in which 2,000 workers lived, there was a strike against the military dictatorship. Angered by this action, the military forces raided the region, arresting everyone and raping the women and even the little girls. They made the boys take their clothes off, forced them to eat gunpowder and beat them with lashes. They scattered broken glass on the ground and made children lie on them naked. A dynamite was put in the mouth of a union representative and its fuse was lit. Most of the arrested workers were stripped naked and executed. Such things were happening under military regimes. At that time we protested against this dictatorship and the whole world was against it.

Today we have a democratic

We enclose a copy of the paper's latest issue together with a subscription form. We would appreciate it if your club/organisation would take out a subscription to *Worker Today*, would inform the members about the newspaper, so that they could take out their own subscriptions, and would publish the news and articles about the struggle of the workers in Iran in your own internal papers/publications (you may by all means credit the source).

Sincere regards,
LO - Greater Stockholm branch
Ove Kohler ■

government. The last two governments implemented a neo-liberal economic model. A law was passed to throw thousands of workers out of their jobs. For example, in a state enterprise which used to employ 30,000 workers, now only 5,000 work. In Bolivia when you are out work this means being condemned to death because there is nothing called unemployment benefit or housing assistance.

This law was passed in August 1985. After that, wages and food to this mining community were cut to make the workers leave their workplaces. But the workers organised themselves and marched towards the city. Their march was called "March for life" because workers knew that without work life is impossible.

In Europe you are used to hearing that in military dictatorships human rights are violated. And when there is a government that apparently has been democratically elected, they think we live in paradise. In Latin America democracy is like a cover behind which human rights are violated. This is the case in all the Latin American countries. I ask you, isn't it a violation of human rights that workers' jobs are taken away from them? Isn't it a violation of human rights that human beings are denied housing? Isn't it a violation of human rights to deny children education, food, health and shelter?

It is for this reason that I am here to protest against this democracy. A democracy with hunger that the states have imposed on us.

Issued monthly
in Persian, with
a supplementary
English section.

WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

Sweden SKr12
Denmark DKr13
Germany DM3
Britain £1.2
France FF12
USA US\$1.5
Canada C\$2
Other non-European US\$2

Page 12, Vol. 1, No. 6, October 1990

12.06.90

صفحه ۱۲، سال اول، شماره ۶، مهر ۱۳۶۹

In Brief

Greece

Hundreds of thousands of workers in Greece staged their third 48-hour general strike in the space of a few weeks demanding the withdrawal of legislation that will raise the retirement age and curtail pension schemes.

Britain

North Sea oil workers struck for the sixth time on 12 September to press demands for union recognition and for improved safety on the oil platforms.

Argentina

The 14-day strike by 44 thousand Buenos Aires telephone workers ended after the government sacked 425 of the strikers and threatened to fire the rest of the workforce. The workers were demanding a 35% wage rise and the withdrawal of the plan to privatise the telephone company.

New Zealand

The Labour Court in New Zealand ordered striking harbour workers to break their strike and return to work. But the Harbour Workers' Union said that it would call another strike to press its demand for the conclusion of nation-wide agreements. New Zealand's labour laws require a 14-day notice of strike action.

South Africa

19 miners were killed and 22 were injured by an explosion at Anglo American's Vaal Reefs gold mine in South Africa.

Turkey

About 1,700 workers of a milk processing plant in Ankara stopped work on 10 August after their demand for a pay increase was rejected.

United States

300 workers of Asplundh tree company in northern West Virginia are in their eighth month of strike against the employers' concession demands, writes *Workers Advocate* published in the US.

The paper notes that in late May a strike activist was killed and two others were seriously wounded after they were ambushed by gunmen in a marked Asplundh company truck. Three people have been arrested, including a company supervisor.

Iran: In the aftermath of Melli Shoe strike, fate of detained workers uncertain

WT News Service:

In the course of the huge strike in January by 13,000 workers of the Melli Shoe Group in Tehran, (see WT No. 1) thousands of workers were interrogated and at least 250 were arrested and imprisoned, reports *Rah-e-Kargar*.

Those workers who were released faced the threat of dismissal and were allowed to return to work only after surety was given. The fate of the many strikers who have not been released remains unclear. Between 40 to 50 workers were still in prison by

Swedish union in solidarity with Iranian workers

● Stockholm branch of the Swedish trade union confederation (LO) calls on its sections to pass resolutions to condemn the execution of labour activist Jamal Cheragh-Vaissy and demand the release of gaoled workers.

In a letter to its sections and locals, the Stockholm branch of the Swedish trade union confederation (LO) urges its organisations to pass a resolution to condemn the execution of labour activist Jamal Cheragh-Vaissy. The resolution calls for the release of gaoled worker activists in Iran and for association and strike right for the Iranian workers.

The initiative comes in the wake of a campaign started recently with the above objectives.

So far a number of other unions, among them the Austrian trade union confederation OGB, have issued statements of protests condemning the execution of labour activists in Iran, about which we shall report in our next issue.

We publish here the main part of the letter by the Stockholm branch of the LO together with the accompanying resolution.

Heartened by the strong solidarity shown with the Iranian working class, we now issue an appeal to you to pass the resolution enclosed with this letter. The background to the resolution is the following:

First of May speaker is executed in Iran!

In the days leading up to May Day 1990, the Iranian regime committed another brutal crime. They executed

West Germany:

IG Metall members protest victimisation

Eighty members of IG Metall, the West German engineering union, at Opel plant who ran in local factory council elections outside the official union slate have become subject of disciplinary action by the union executive.

This is reported in a statement published by the "Opel Solidarity Committee", the text of which we publish here:

In the 1990 factory council elections at Opel plant, 80 IG Metall members stood as candidates in lists outside the official union slate. Earlier attempts to have a second list approved as the union list had failed. In the elections among blue-collar workers, the official union list lost majority in the factory council.

Metall's response: the 80 union members should be subjected to review because of "behaviour harmful to the union", according to paragraph 11 of union rules.

The disputes inside the union have intensified since many years ago. The issue has always been how the union should confront the concession claims of the employers such as special con-

secutive shifts, work in break times, the meeting of costs jointly by workers and employers, use of outside labour, and so on.

In other words, Jamal was executed because of his participation in the worker movement's international day of solidarity, for speaking about the Iranian workers' grievances, for defending worker demands such as unemployment benefit for the millions of unemployed, for speaking about the long working hours, the low wages and about the lack of the right to strike and organise.

In a declaration issued by workers in Sanandaj it is stated, among other things: "Comrade workers in Iran! Democratic associations and labour organisations throughout the world! The Islamic regime executed Jamal because he spoke at the First of May rally and revealed truths about our society. Join us in condemning this brutal execution and help us to work for the release of the other workers who have been imprisoned only for having participated in the May Day rallies."

We at the LO [Stockholm] branch feel disgust at these mass executions

of participants in May Day rallies. In our view it shows the shocking conditions that the working class and workers' families in Iran live under.

We call on you to condemn the execution of Jamal and other political prisoners and to pass the attached resolution.

Sincere regards,
LO - Greater Stockholm branch
Ove Kohler

Iran:

Oil workers call for double pay for overtime

WT News Service:

Workers in the oil refinery in the city of Isfahan went on strike in late May demanding double wages for every hour of overtime work, according to a report by the Communist Party of Iran.

The strike by the nearly 2,000 oil workers began when the management called for a four-hour compulsory overtime. Workers took strike action when the management refused to agree to their demand for the payment of double rates. As many as 30 workers were arrested in this strike which lasted for two weeks.

The report notes that worried by

RESOLUTION

- We condemn the execution of Jamal Cheragh-Vaissy,
- We demand the release of all those imprisoned because of their union activities,
- We support the right to organise and the right to strike for the Iranian workers.

the possible consequences of the strike, the government broadcast a special programme on the state TV about workplace safety in the oil installations and sent inspectors to the refinery. Workers ended their stoppage when their arrested colleagues were released and management pledged to raise wages.

Addressing the inspectors, the workers said: Instead of our having the right to form unions, we are asked to put our demands through you to the Labour Ministry! But this will lead nowhere, because they already know the facts.

Iran:

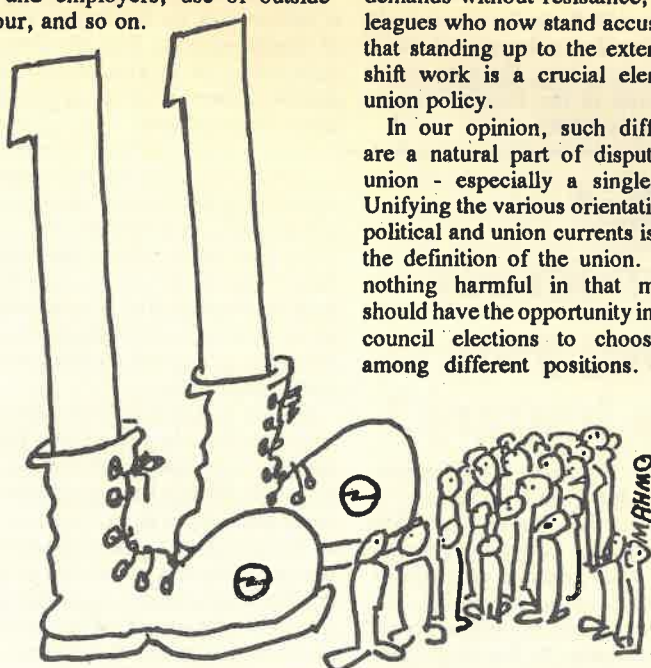
Walkout over demand for job classification

WT News Service:

The strike actions last year by 2,000 workers of Arak engineering plant (one of the largest engineering-machines manufacturer in Iran) over wage demands and the implementation of the scheme of job classification was followed up this May with renewed protests.

According to a report in the paper *Rah-e-Kargar*, workers began a walkout on 9 May over delays in the implementation of the scheme. Following this, the deputy general director of the plant and high ranking government officials arrived at the factory to persuade workers back to work. The action ended when the workers received a payment as the first step in the implementation of the job classification scheme.

The same report notes that two workers, arrested in the course of the protests, were also released.



According to paragraph 11 of union rules, your vote is harmful to the union!

The dispute became public when the question of night shifts emerged.

Workers win 20% pay rise

Two thousand municipal workers in Tehran stopped work and staged a sit-in for two days in May calling for the payment of a month's overdue wages, a 20% wage rise, the introduction of the scheme of job classification, payment of the year-end bonus, and the resignation of the general director, writes the paper *Reh-e-Azadi*.

Government officials and the guards who had been sent in tried to intimidate the strikers to end their action. After these failed, Tehran's mayor came to talk to strike representatives in person. The action ended when the mayor agreed with most of the workers' demands.

contrary, re-assessment of membership and attempts to exclude certain

Continued on Page 11

We have to approach the question of independent working class politics.

Kim Moody, labour activist and organiser in the US, in interview with Worker Today. p.10

What is democracy when you are hungry?

Domitila Barrios, labour leader from Bolivia, held a speaking tour in summer in Europe. p.11

Worker Today in union locals in Sweden! p.11